

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



## ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

### الدِّينُ وَ التَّدِينُ (دین و دینداری)

یونس: ۱۰۵	حَنِيفًا	لِلدِّينِ	﴿... أَقِمَّ وَجْهَكَ﴾
	یکتاپرست	به دین	روی آور

با یکتاپرستی به دین روی آور.

لَنَا:	يَقُولُ	التَّارِيخُ	وَ	الْإِنْسَانِ.	فِي	فِطْرِيَّ	التَّدِينُ
به ما	می‌گوید	تاریخ	و	انسان	در	ذاتی	دینداری

دینداری در انسان ذاتی است و تاریخ به ما می‌گوید:

هیچ ... نیست	لَا	شَعْبٌ	مِنْ	شُعُوبِ	الأَرْضِ	إِلَّا	وَ	كَانَ لَهُ	دِينٌ	وَ	طَرِيقَةٌ	لِلْعِبَادَةِ.
		ملت	از	ملت‌ها	زمین	مگر	و	داشت	دین	و	روش	برای عبادت

هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

الْإِنْسَانِ،	اكتشفها	التِّي	الْقَدِيمَةَ	فَالْآثَارُ
انسان	کشف کرد آن را	که، کسی که	قدیمی	پس آثار

پس آثار قدیمی‌ای که انسان آن‌ها را کشف کرد [ه است]،

و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و
و تمدن‌ها	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که	و تمدن‌هایی که

و تمدن‌هایی که آن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخت [ه است]،

تأكيد می‌کند	تَوَكَّدُ	اهتمام	الْإِنْسَانِ	بِالدِّينِ	وَ	تَدُلُّ <sup>۲</sup>	عَلَى	أَنَّهُ <sup>۴</sup>	فِطْرِيَّ	فِي	وُجُودِهِ؛
		توجه	انسان	به دین	و	راهنمایی می‌کند	بر	این‌که او	ذاتی	در	وجودش

توجه انسان به دین را تأکید می‌کند و بر این‌که آن (دین) در وجود او ذاتی است؛ راهنمایی می‌کند (دلالت می‌کند)

ولی	وَلَكِنَّهُ	عبادته	وَ	سَعَائِرَهُ	كَانَتْ <sup>۵</sup>	خُرَافِيَّةً؛
		عبادت‌هایش	و	مراسم‌هایش	بود	بیهوده (خرافی)

ولی عبادت‌هایش و مراسم‌هایش بیهوده (خرافی) بوده‌اند؛

مانند	مِثْلُ	تعددی	و	تقديم	القربان	لها	ليكتسب	رضاها	و	تجنب	سرها.
		چندگانگی	و	تقدیم	قربانی‌ها	برای او	برای به‌دست آوردن	خشنودی او	و	دوری کردن	بدی او

مانند چند خدایی (چندگانگی خدایان) و تقدیم (پیشکش) قربانی‌ها به آن‌ها برای به‌دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری از بدیشان.

و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و
و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت	و افزایش یافت

و در گذر زمان این افسانه‌ها (خرافات) در دین‌های مردم افزایش یافت.

ولی	وَلَكِنَّ	تبارک	وَ	تعالی	لَمْ يَتْرُكْ <sup>۷</sup>	النَّاسِ	عَلَى	هَذِهِ	الْحَالَةِ؛
		برتر و مقدس شد	و	بلندمرتبه شد	رها نکرده است	مردم	بر	این	حالت

ولی خداوند مقدس و بلندمرتبه مردم را بر این حالت رها نکرده است؛

۱. «أَقِمَّ» فعل امر از باب إفعال است.

۲. «لَا» ی نفي جنس است.

۳. «تَدُلُّ» فعل مضارع از ریشه «د ل ل» است.

۴ و ۵. «أَنَّ» و «لَكِنَّ» از حروف مشبهة بالفعل هستند.

۶. «كَانَتْ» از افعال ناقصه است.

۷. «لَمْ يَتْرُكْ» رها نکرد، رها نکرده است (لم + فعل مضارع = ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی) «



فَأَجَابَهُمْ:	لِمَ	تَسْأَلُونَنِي؟!	إِسْأَلُوا	الصَّنَمَ	الْكَبِيرَ.
پس پاسخ داد آن‌ها را	چرا، برای چه	می‌پرسید مرا	بپرسید	بت	بزرگ

پس به آن‌ها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟! از بت بزرگ بپرسید.

بَدَأَ	الْقَوْمَ	يَتَهَامَسُونَ:٢
شروع کرد	قوم	پیچ پیچ می‌کنند

قوم شروع به پیچ کردن:

«إِنَّ»	الصَّنَمَ	لَا يَتَكَلَّمُ؛	إِنَّمَا	يَقْصِدُ	إِبْرَاهِيمَ	الْإِسْتِهْزَاءَ	بِأَضْمَانَا.
همانا	بت	سخن نمی‌گوید	تنها، فقط	قصد دارد	ابراهیم	ریشخند کردن	به بت‌های ما

«قطعاً بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم تنها قصد ریشخند کردن (مسخره کردن) بت‌های ما را دارد.»

وَ	هَذَا	«قَالُوا	حَزَقُوهُ	وَ	انصُرُوا	آيَهُتَكُمُ	الانبياء: ٦٨
و	این‌جا	گفتند	بسوزانید او را	و	یاری کنید	خدایانتان	

و در این موقع «گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.»

فَقَدَّوهُ	فِي	النَّارِ،	فَأَنْقَذَهُ	اللَّهُ	مِنْهَا.
پس انداختند او را	در	آتش	پس نجات داد او را	خدا	از آن

پس او را در آتش انداختند، و خدا او را از آن (آتش) نجات داد.

## واژگان

<p>أَلِيَّة: خدایان، معبودها أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد الْأَصْنَام: بت‌ها أَعَانَ: یاری کرد (مضارع: يُعِينُ / مصدر: إعانة) أَعْتَى (فعل امر «أَعِنُ» + نون وقایه + ی): مرا یاری کن. أَقِيمَ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ) اِكتَسَفَ: یافت، کشف کرد أَنَارَ: روشن کرد، نورانی کرد (مضارع: يُنِيرُ / مصدر: إنارة) «أُنِرُ (امر): روشن کن» الْإِنْشِرَاح: شادمانی الْأَنْشُودَة: سرود أَنْقَذَ: نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ / مصدر: إنقاذ) بَدَّؤُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ کردن (ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ) الْبَسْمَات: لبخندها</p>	<p>تَأَكَّدَ: مطمئن شد (مصدر: تَأَكَّد) تَبِعَ: تعقیب کرد، به دنبال ... رفت (مضارع: يَتَّبِعُ) التَّجَنَّبَ: دوری کردن (ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ) حَزَقَ: سوزاند الْحَظَّ: بخت، شانس حَمَى -: پشتیبانی کرد، حمایت کرد (مضارع: يَحْمِي) «إحْمِي (فعل امر «إحْمِ» + نون وقایه + ی): از من پشتیبانی کن» الْحَنِيفَ: یکتاپرست خِداَع: فریب حَدَّوْا (فعل امر): بگیرید (ماضی: أَخَذَ: گرفت) الْحُرَافَة: سخن بیهوده و یاوه، افسانه، موهوم‌پرستی الَّذِينَ الْحَنِيفَ: دین راستین السَّجْنُ: زندان الشدى: بیهوده و پوچ سَعَى: تلاش کرد، شتافت («إسْعَوْا (امر): بشتابید»</p>	<p>الْسَّلَام: آشتی، صلح السَّيْرَة: روش و کردار، سرگذشت الشَّعَائِر: مراسم الصَّرَاع: کشمکش عَلَّقَ: آویخت الْفَأْس: تبر الفطري: ذاتی، درونی، طبیعی القربان: قربانی‌ها الكثف: شانه كسرت: شکست كونوا (فعل امر): باشید (ماضی: كان: بود) لا ... له: ندارد المجيب: برآورنده، اجابت‌کننده ما يلي: آن‌چه می‌آید مكسور: شکسته النقوش: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها</p>
--	--	--

١. «لِمَ: چرا، برای چه» مخفف «لِمَاذَا» است.

٢. فعل مضارع بعد از «بَدَأَ» به صورت مصدر ترجمه می‌شود. بَدَأَ ... يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ کردن [کردن] کردند.

٣. «إِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است.

٤. «إنَّمَا» به معنای «فقط، تنها» از ادات حصر است نه حرف مشبّهة بالفعل.

سیرة = سلوك کردار، رفتار	سُدَى = عَثْبًا پوچ و بیهوده	اِكْتَسَبَ = حَصَلَ عَلَی به دست آورد	تَذَلُّ = تُرِشِدُ راهنمایی می کند	حَنِيفٌ = مُوحِّدٌ یکتاپرست	مترادف
سِوَى = غَیْرِ = اِلَّا به جز	غَايَةَ = هَدَفٌ هدف	اَنْقَذَ = اَنْجَى نجات داد	عید = حَفَلَةٌ جشن	اِكْتَشَفَ = وَجَدَ یافت	
شَرٌّ = سَوَاءٌ بدی	طَرِيقٌ = سَبِيلٌ راه	اَرْسَلَ = بَعَثَ فرستاد	داء = مَرَضٌ بیماری	رَأَى = شَاهِدٌ دید	
أَعَانَ = سَاعَدَ یاری کرد، کمک کرد	حَظٌّ = لَذَّةٌ = نَصِيبٌ بخت، بهره، کامیابی	حَسِبَ = ظَنَّ گمان کرد، پنداشت	إِهْتِمَامٌ = عِنَايَةٌ توجه	قَدَفٌ = رَمَى انداخت، پرتاب کرد	
حَدَّثَ = كَلَّمَ سخن گفت	إِبْتَسَمَ = ضَحِكَ لبخند زد، خندید	سَلَامٌ = صَلَحٌ آشتی، صلح	أَنَارَ = أَضَاءَ روشن کرد	فَرَحٌ = شُرُورٌ = بَهْجَةٌ = إِنْشِرَاحٌ شادمانی	
حَزَقٌ ≠ اَطْفَأَ سوزاند ≠ خاموش کرد	صِرَاعٌ، نِزَاعٌ ≠ سَلِمَ درگیری، کشمکش ≠ آشتی	إِزْدَادٌ ≠ قَلَّ زیاد شد ≠ کم شد	تَجَنَّبَ ≠ تَقَرَّبَ دوری کردن ≠ نزدیک شدن	حَنِيفٌ، مُوحِّدٌ ≠ مُشْرِكٌ یکتاپرست ≠ چندگانه پرست، مشرک	متضاد
رَحِمَ، غَفَرَ ≠ عَاقَبَ رحم کرد، آمرزد ≠ تنبیه کرد، کیفر داد	غَضِبَ ≠ هَدَأَ خشمگین شد ≠ آرام شد	حَسِبَ ≠ اِطْمَأَنَّ، عَلِمَ، اَدْرَكَ پنداشت ≠ مطمئن شد، دانست	تَهَامَسَ ≠ صَرَخَ پچ پچ کرد ≠ فریاد زد	أَخَذَ ≠ قَدَفَ، رَمَى گرفت ≠ انداخت	
أَجَابَ ≠ سَأَلَ پاسخ داد ≠ پرسید	خُرَافَةٌ ≠ حَقِيقَةٌ افسانه، موهوم ≠ حقیقت	تَارَكَ ≠ مُتَمَائِلٌ رها کننده ≠ مایل	خَفِيَ ≠ ظَاهِرٌ پنهان ≠ آشکار	أَعْلَى ≠ أَرْحَصُ گران تر ≠ ارزان تر	
خَيْرٌ ≠ شَرٌّ خوبی ≠ بدی	إِضَاءَةٌ، إِنَارَةٌ ≠ إِطْفَاءٌ روشن کردن ≠ خاموش کردن	أَضْحَكَ ≠ أَبْكَى خندانید ≠ گریانید	إِبْتَسَمَ، ضَحِكَ ≠ بَكَى لبخند زد، خندید ≠ گریه کرد		
تَمَائِلٌ ← تِمثال تندیس، مجسمه	زُسُومٌ ← رَسَمٌ نقاشی	نُقُوشٌ ← نَقَشٌ کننده کاری، نگاره	أَثَرٌ ← أَثَرَ اثر، نشانه	شُعُوبٌ ← شَعْبٌ ملت	جمع مکسر
أَنْبِيَاءٌ ← نَبِيٌّ پیامبر	أَدِيَانٌ ← دِينٌ دین	قَرَابِينٌ ← قُرْبَانٌ قربانی	أَلِهَةٌ ← إِلَهٌ معبود	شَعَائِرٌ ← شَعِيرَةٌ مراسم	
أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ گفتار، حدیث	أَكْتَفَ ← كَتَفٌ شانه	أَعْيَادٌ ← عِيدٌ عید، جشن	أَصْنَامٌ ← صَنَمٌ بت	أَقْوَامٌ ← قَوْمٌ قوم، گروه	
عِبَادٌ ← عَابِدٌ عبادتگر	عِبَادٌ ← عَبْدٌ بنده	مُدُنٌ ← مَدِينَةٌ شهر	عِظَامٌ ← عَظْمٌ استخوان	أَبْيَاتٌ ← بَيْتٌ خانه، بیت شعری	
شُرُورٌ ← شَرٌّ بدی	بِلَادٌ ← بَلَدٌ شهر، کشور	أَعْضَاءٌ ← عَضْوٌ عضو	حُظُوطٌ ← حَظٌّ بخت، بهره	أَنَاشِيدٌ ← أُنشُودَةٌ سرود	
				فُؤُوسٌ ← فَأْسٌ تبر	



- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (بر اساس متن درس، درست و نادرست را مشخص کن). ✓ ✗
- ✓ ۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ قَرَابِينَ لِلْإِلَهَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا. (هدف از تقدیم قربانی‌ها به خدایان به‌دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری کردن از بدی‌شان بود).
- ✗ ۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْعَرِ الْأَضْنَامِ. (ابراهیم علیه السلام تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد).
- ✗ ۳- لَمْ يَكُنْ لِيَبْغِضِ الشُّعُوبَ دِينًا أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ. (برخی از ملت‌ها دینی یا روشی برای عبادت نداشتند).
- ✓ ۴- الْأَنْثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِينِ. (آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند).
- ✓ ۵- إِنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ. (همانا دینداری در انسان ذاتی است).
- ✓ ۶- لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى. (خدا انسان را بیهوده و پوچ رها نمی‌کند).

## قواعد

### معاني الحروف المشبهة بالفعل و لا النافية للجنس

#### ۱- الحروف المشبهة بالفعل

به حروف «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» حروف مشبّهه بالفعل می‌گویند.

**تست** عَيْنَ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا الْحُرُوفُ الْمَشْبَهَةُ بِالْفِعْلِ:

- |  |   |
|--|---|
| (۱) إِنَّ الْمَسَاجِدَ بِيُوتِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ!    | (۲) لَعَلَّ الطَّمَعِ يَدْفَعُ الْإِنْسَانَ إِلَى الْبَلَاءِ!   |
| (۳) كَانَ إِبْرَاهِيمَ قَدْ كَسَرَ الصَّنَمَ الْكَبِيرَ! | (۴) «... الْمِصْبَاحِ فِي رُجَاةٍ كَأَنَّهَا كَوَكَبٌ دُرِّيٌّ» |

**پاسخ** در گزینه (۱) «إِنَّ» حرف مشبّهه بالفعل است. در گزینه (۲) «لَعَلَّ» حرف مشبّهه بالفعل است. در گزینه (۳) «كَانَ» فعل ناقصه است. در گزینه (۴) «كَانَ» حرف مشبّهه بالفعل است؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) می‌باشد.

#### معاني حروف مشبّهه بالفعل

- ✱ **إِنَّ:** جمله پس از خود را تأکید می‌کند و به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است.  
**مثال** إِنَّ الْمُؤْمِنَ صَادِقٌ.  
«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التَّوْبَةُ: ۱۲۰  
بی‌گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند.
- ✱ **أَنَّ:** به معنای «که، این‌که» است و در بین دو جمله می‌آید و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد.  
**مثال** العلماءُ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ الْعُلُومَ النَّافِعَةَ تَسَبَّبَتْ تَقَدُّمَ الْمَجْتَمَعِ. دانشمندان اعتقاد دارند که دانش‌های سودمند باعث پیشرفت جامعه می‌شوند.  
«قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» الْبَقَرَةُ: ۲۵۹  
گفت می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.
- ✱ **كَأَنَّ:** به معنای «گویى» و «مانند» است.  
**مثال** كَانَ الْمُؤَدَّنُ قَدْ حَضَرَ لِيُؤَدَّنَ!  
«كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» الرَّحْمَنُ: ۵۸  
كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.  
گویى اذان‌گو حاضر شده است تا اذان بگوید!  
آنان مانند یاقوت و مرجاندند.  
گویى خشنود ساختن همه مردم هدفی است که به‌دست آورده نمی‌شود.
- ✱ **لَكِنَّ (ولیکن):** به معنای «ولی» و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله قبل از خودش است.  
**مثال** اِعْتَدَ الطَّالِبُ مِنْ فِعْلِهِ لَكِنَّ زَمِيلَهُ مَا قَبْلَ عَذْرَةٍ.  
«إِنَّ اللَّهَ لَدُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» الْبَقَرَةُ: ۲۴۳  
دانش‌آموز از کارش پوزش خواست ولی هم‌شاگردی‌اش پوزش او را نپذیرفت.  
بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

❖ **لَيْتَ**: به معنای «کاش» و بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم به کار می‌رود.

**مثال** لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ مَتَّحِدُونَ. کاش مسلمانان متحد باشند.

﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً﴾ آلتَبَا: ۴۰ و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم!

❖ **لَعَلَّ**: به معنای «شاید» و «امید است»، بیانگر امید (رجا) است.

**مثال** لَعَلَّ الْفَرَجَ قَرِيبٌ. شاید گشایش نزدیک باشد.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ الرَّحْرِف: ۳ بی‌گمان ما آن را قرآن عربی قرار دادیم شاید (امید است) شما خردورزی کنید.

### تست ۲ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ:

۱) اِشْتَرَى أَبِي سَوْرًا لِأَخْتِي وَلَكِنَّهَا فَقَدَتْهَا! پدرم دستبندی را برای خواهرم خرید، شاید او آن را گم کند!

۲) «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونَ!» ای کاش مثل آن چه به قارون داده شد، داشتیم.

۳) «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ!» این که انسان در زیان کاری است.

۴) كَأَنَّ السَّمَاءَ قَبْطَةً فَوْقَ رُؤُوسِنَا! آسمان گنبدی بالای سرهایمان بود!

**پاسخ** در گزینه (۱) «ولکن» به معنای «ولی، اما»، و فعل ماضی «فقدت» به معنای «گم کرد، از دست داد» می‌باشد. در گزینه (۲) «یا لیت» به معنای

«ای کاش» و جاز و مجرور «لنا» با توجه به «یا لیت» به معنای «داشتیم» می‌باشد. در گزینه (۳) «إن» به معنای «به درستی که، بی‌گمان، همانا، قطعاً»

است. در گزینه (۴) «كأن» به معنای «گویى که، مثل این‌که» می‌باشد؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۲) می‌باشد.

### نکات

❖ **حرف «إِنَّ»** با حرف «أَنَّ»:

۱- اَوَّلُ عِبَارَتٍ مِي آيد.

۲- بعد از فعل «قال»، «...» و مشتقات آن «يقول»، «... / قل»، «...» می‌آید؛ در صورتی که فعل دیگری میانشان نیاید.

۳- بعد از «یا / أيتها + اسم» می‌آید.

**مثال** إِنَّ الْإِسْلَامَ دِينُ الْعِبَادَةِ.

قال المعلم: إِنَّ الْإِمْتِحَانَ سَهْلٌ.

یا معلم، إِنَّا جَاهِزُونَ.

قطعاً اسلام دین عبادت است.

معلم گفت: همانا امتحان آسان است.

ای معلم، قطعاً ما آماده هستیم.

**حرف «أَنَّ»** در وسط عبارت و معمولاً پس از فعلی غیر از فعل «قال» و مشتقات آن می‌آید.

**مثال** ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ آیا ندانستی که خداوند بر هر چیزی توانا است.

❖ **کلمه «لِأَنَّ»** (لِ + أَنَّ) به معنای «زیرا، برای این‌که، چون» معمولاً در پاسخ کلمه پرسشی «لماذا: چرا، برای چه» می‌آید.

چرا با هواپیما سفر نکردی؟

زیرا بلیط هواپیما گران است.

**مثال** لماذا ما سافرت بالطائرة؟

لِأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةٌ.

**توجه:** گاهی کلمه «لِأَنَّ» در عبارت، دلیل عمل پیش از خود را بیان می‌کند که علاوه بر معنای «زیرا، برای این‌که، چون» به صورت «چرا که، چه» نیز آورده می‌شود.

به بیمارستان رفتم زیرا (برای این‌که، چون، چرا که، چه) من مریض بودم.

دلفین حافظه‌ای قوی دارد، زیرا (برای این‌که، چون، چرا که، چه) او حیوان باهوشی است.

❖ «إِنَّمَا و أَنَّمَا» اگر در ابتدای عبارتی باشند، حرف مشبّه بالفعل محسوب نمی‌شوند و در ترجمه کلمه «فقط، تنها» معمولاً خبر یا فاعل جمله را محصور می‌کند.

خداوند فقط عادل است.

از بندگان (بندگان خدا)، فقط دانشمندان از خدا می‌ترسند.

**مثال** دَهَبْتُ إِلَى الْمَسْتَشْفَى لِأَنَّي كُنْتُ مَرِيضًا.

لِلدَّلْفِينِ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ لِأَنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ.

**مثال** إِنَّمَا اللَّهُ عَادِلٌ.

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾



**تست ۳ عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاقَاتِ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْتَبِهَةِ بِالْفِعْلِ:**

- (۱) نَصَعْتُ الْجَبَلَ ..... الْجَوَّ لَطِيفٌ جِدًّا: لَأَنَّ  
 (۲) بعد کلامی قَالَ أصدقائي ..... مجنونًا: كَأَنَّكَ  
 (۳) ..... نی کنْتُ أحوالٍ للوصول إلى أهدافي: لِيَتَّ  
 (۴) ..... سنا مطمئنون في هذا العمل: لِعَلَّ

**پاسخ** به ترجمه حروف مشتبّهه بالفعل به همراه عبارتها توجه کنید: گزینه (۱): «از کوه بالا می‌رویم زیرا هوا بسیار لطیف است!» گزینه (۲): «بعد از سختم دوستانم گفتند گویی تو دیوانه هستی!» گزینه (۳): «کاش برای رسیدن به هدف‌هایم تلاش می‌کردم!» گزینه (۴): «شاید ما در این کار مطمئن هستیم!»؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۴) است؛ زیرا «تردید و اطمینان» در یک جمله جمع نمی‌شوند.

**تست ۴ عَيْنَ الْخَطَأِ فِي تَرْجُمَةِ الْأَفْعَالِ الْمَعْيَنَةِ:**

- (۱) وَلَكِنَّ اللَّهَ لَمَّ يَتَذَكَّرِ الْإِنْسَانَ عَلَىٰ هَذِهِ الْحَالِ: رها نکرده است  
 (۲) قَدْ حَدَّثَنَا الْمُرَيْدُ عَنِ الثَّقُوفِ: سخن گفته است  
 (۳) لِيَتَّ كُلُّ النَّاسِ يَتَكَلَّمُونَ عَلَىٰ قَدْرِ عِلْمِهِمْ: سخن می‌گویند  
 (۴) حَاوَلُ الرَّجُلُ أَنْ يُنْقِذَ الْقَرِيقَ مِنَ الْغَرَقِ: که نجات دهد

**پاسخ** در گزینه (۱) فعل «لَمْ يَتَذَكَّرِ (لم + فعل مضارع)» به صورت ماضی ساده منفی «رها نکرد» یا ماضی نقلی منفی «رها نکرده است» ترجمه می‌شود. در گزینه (۲) فعل «قَدْ حَدَّثَ (قد + فعل ماضی)» به صورت ماضی نقلی «سخن گفته است» ترجمه می‌شود. در گزینه (۳) فعل «يَتَكَلَّمُونَ» تحت تأثیر حرف «لِيَتَّ: کاش» به صورت مضارع التزامی «سخن بگویند» ترجمه می‌شود. در گزینه (۴) فعل «أَنْ يُنْقِذَ (أن + فعل مضارع)» به صورت مضارع التزامی «که نجات دهد» ترجمه می‌شود؛ بنابراین پاسخ تست گزینه (۳) می‌باشد.

**اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱) (خودت را بیازمائی).**

ترجمه هاتین الایتین الکریمتین. (این دو آیه کریمه را ترجمه کن).  
 ۱. ﴿فَهَذَا يَوْمٌ الْبَعْثِ وَلِكُنُكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الرُّوم: ۵۶  
 پس این [روز]، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَوْصُوعًا﴾ الأَصْف: ۴  
 قطعاً خدا کسانی که صف بسته در راه او بیکار می‌کنند را دوست می‌دارد گویی آن‌ها ساختمانی استوار هستند.

**۲- لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ (لا نفی جنس)**

«لا»ی نفی جنس حرفی است که برای «نفی مطلق» بر سر اسم نکره آورده می‌شود و در فارسی «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود.  
 \* «لا»ی نفی جنس، همیشه بر سر جمله اسمیه می‌آید و اسم پس از آن همیشه حرکت فتحه (-) دارد.

**مثال**

- لا عَدُوًّا أخطرَ مِنَ الْجَهْلِ. هیچ دشمنی خطرناک‌تر از نادانی نیست.  
 لا فَقْرٌ أَشدَّ مِنَ الْجَهْلِ. رسولُ اللَّهِ ﷺ هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.  
 لا كَثْرٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست.  
 لا عِلْمٌ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا الْبَقْرَةَ: ۳۲ جز آن چه به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم. (هیچ دانشی برای ما نیست؛ توجه: «لا...لنا» به معنای «نداریم» نیز می‌باشد).

\* اگر در عبارتی که بعد از «لا»ی نفی جنس می‌آید، فعل باشد، آن فعل به صورت منفی ترجمه می‌شود.

**مثال** لا مُجتهدٌ يَتَكَاسَلُ فِي حَيَاتِهِ: هیچ تلاشگری در زندگی‌اش تنبلی نمی‌کند.

\* «لا»ی نفی جنس با حرف «لا» در موارد زیر اشتباه نشود:

۱ «لا»ی جواب به معنای «نه» در پاسخ به «هَلْ» و «أَمْ»

**مثال** هل تذهبُ إلى الملعبِ؟ لا، أذهبُ إلى البيتِ. آیا به ورزشگاه می‌روی؟ نه، به خانه می‌روم.  
 أنتَ من بجنورد؟ لا، أنا من بيجرد. آیا تو اهل بجنورد هستی؟ نه، من اهل بيجرد هستم.

۲ «لا»ی نفی مضارع

**مثال** لا يذهبُ: نمی‌رود / المؤمنون لا يكذبون الآخرين. مؤمنان به دیگران دروغ نمی‌گویند.

۳ «لا»ی نهی

**مثال** لا تذهبُ: نرو لا تكتبوا في الكتاب: در کتاب ننویسید.

۴ «لا»ی عطف در وسط عبارت برای تأیید قبل از خود و ردّ بعد از خود

**مثال** جاء عليٌّ لا سعيدٌ. علی آمد نه سعید.  
 يتنصر الحقُّ لا الباطلُ. حق پیروز می‌شود نه باطل.

تمرین کتاب درسی

﴿ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ ﴾ أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟)

۱- آله ذات ید من الخشب و سبب عریضه من الحديد یقطع بها: القاس: تبر

(ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندان‌های پهن از [جنس] آهن که با آن [اشیاء] بریده می‌شود.)

۲- تمثال من حَجَرٍ أَوْ حَسَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ: الصنم: بت

(تندپسی از سنگ یا چوب یا آهن که به جای (جز) خدا پرستش می‌شود.)

۳- عَضُو مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ: الكتيف: شانه

(عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع می‌شود.)

۴- التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ: الحنيف: یکتاپرست

(رهاکننده باطل و متمایل به دین حق است.)

۵- إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ: التهامس: پیچ کردن

(همانا آن‌ها شروع به سخن گفتن پنهانی کردند.)

﴿ التَّمْرِينُ الثَّانِي ﴾ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمَشَبَّهُ بِالْفِعْلِ، وَ لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن، سپس حرف مشبه

به فعل و لای نفی جنس را مشخص کن.)

۱- ﴿... قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ \* بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ...﴾ یس: ۲۶ و ۲۷

...گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامیان قرار داد ... لَيْتَ: حرف مشبه بالفعل

۲- ﴿... لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ التوبة: ۴۰

... اندوهگین مباش، بی‌گمان خدا با ماست ...

إِنَّ: حرف مشبه بالفعل

۳- ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ الصافات: ۳۵

هیچ معبودی جز خدا نیست.

«لا» همراه اسم: لای نفی جنس

۴- ﴿لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ﴾ رسول الله ﷺ

هیچ دینی ندارد کسی که هیچ [وفای به] پیمانی ندارد.

«لا» همراه اسم «دین، عهد»: لای نفی جنس

۵- ﴿إِنَّ مِنْ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرَجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ﴾ رسول الله ﷺ

همانا از سنت این است که مرد همراه میهمانش تا در خانه بیرون بیاید.

إِنَّ: حرف مشبه بالفعل

﴿ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ ﴾ أ. أَفْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. (شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان

سپس ترجمه کلماتی را که زیرشان خط است، مشخص کن.)

أَيُّهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمَّمٍ وَ لِأَبٍ

هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

إِنَّمَا الْفُحْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدراند.

آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند. آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی هستند؟

افتخار، تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

۱. قیل: گفته شد (مجهول از فعل «قال: گفت»)





## اول

## پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس

### واژگان

#### ■ أَجِبِ الْأَسْئَلَةَ عَنِ الْمَفْرَدَاتِ وَ الْجَوَارِ

##### ۱- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَغَاتِ:

- الف: سُئِلَ المدير: هل في المدرسة طالبٌ؟ فأجاب: ..... طالبٌ هنا!  
 ج: تَمَتَّى المزارع: ..... المطر ينزل كثيراً!  
 (۱) الف: لَيْتَ - ج: لَعَلَّ (۲) ب: أَنْ - د: إِنَّ

##### ۲- عَيِّنِ الخَطَأَ لترجمة الكلمات المعينة في العبارات:

- (۱) ذلك الرَّجُلُ قَطَعَ هذا الطريقَ سُدًى! (بیهوده)  
 (۳) وَلَكِنَّ عِبَادَتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافَةً! (احساسات)  
 ۲ «كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»: (استوار)  
 ۴ صَدَرَ الحَكَمُ عَلَى المخطئِ بِالسَّجْنِ! (زدان)

##### ۳- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لترجمة الكلمات المعينة في العبارات:

- الف: هذه الفَنَانَةُ عَرَضَتْ رُسُومَهَا!  
 ج: يُرِيدُ الدِّينَ الحَنِيفِ العَدَالَةَ بينَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ بِشكلٍ حَقِيقِي!  
 (۱) الف: آداب - ج: راستين  
 (۳) الف: نَقَّاشِيها - ب: نزديكان  
 ب: في يومِ الأضحى ذَبَحَ الحِجَابِ القَرَابِيْنَ!  
 د: يَوْمَ البعثِ يَوْمَ قِيَامَةِ المَوْتِ!  
 (۲) ب: قربانیها - د: رستاخيز  
 (۴) ج: ضعیف - د: رستاخيز

##### ۴- عَيِّنِ الخَطَأَ في ترجمة الكلمات:

- (۱) فَهَامَةٌ: بَسیار دانا - جالس: نشستہ  
 (۳) مُكْرَمٌ: گرامی - أَشَدُّ: سخت تر

##### ۵- عَيِّنِ الصَّحِيحَ في ترجمة الأفعال:

- (۱) لَنْ تَنقَطِعَ: بریده نخواهد شد - فَهَمَّتْ: فهمیدم  
 (۳) لَا يُجَلِّسُونَ: نمی‌نشینند - اِسْتَفْرُوا: آمرزش خواستند

##### ۶- أَيُّ مُنْتَخَبٍ لَيْسَ مَفْسُدَةً؟

- (۱) الشَّرْكُ (۲) الفَنَاعَةُ (۳) الغَضَبُ (۴) العُجْبُ

##### ۷- عَيِّنِ الصَّحِيحَ للفرغ: «..... هو نزاعٌ بَيْنَ شَخْصِيْنِ أَوْ أَكْثَرَ في خُطابِهِمْ أَوْ سُلُوكِهِمْ معاً»

- (۱) الفَقْرُ (۲) التَّهَامُسُ (۳) الصَّرَاعُ (۴) الاستهزاء

##### ۸- أَيُّ كَلِمَةٍ لَا يُوْجَدُ متضادها في العبارة؟

- (۱) خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِيْنَتَيْهِمْ وَ بَقِيَ اِبْرَاهِيْمُ الطَّلِيْ وَ وَحِيْدًا (جميعاً)  
 (۳) أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ! (بَعَثَ)  
 (۲) أَوَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ... (مُشْرِكًا)  
 (۴) قَالُوا حَزَقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ (أَطْفُواوا)

##### ۹- عَيِّنِ عِبْرَةً جَاءَ فِيهَا المتضاد:

- (۱) حَضَرَ السِّيَاحِ في قاعةِ المَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيْلَ لَمْ يَحْضُرْ!  
 (۳) رَأَى الطَّائِرَ الحَيْوانِ المَفْتَرَسَ وَرَاءَ عَشِّهِ فَتَظَاهَرَ أَمَامَهُ بِالْمَرَضِ!  
 (۲) كَانَتْ الطِّفْلَةُ تَبْكِي لِأَنَّهَا كَانَتْ جَائِعَةً!  
 (۴) وَ أَمْرٌ عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالعلومِ التَّافِعَاتِ!

##### ۱۰- عَيِّنِ عِبْرَةً جَاءَ فِيهَا المتضاد:

- (۱) هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ  
 (۳) بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ/ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ  
 (۲) الحَنِيفِ هُوَ التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ المَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ!  
 (۴) الصَّنَمِ يَمْتَلَأُ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ!

ترجمه و مفهوم

■ عَيْنِ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

۱۱- «أُرْسِلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءُ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَالَّذِينَ الْحَقُّ»:

- ۱) پیامبران به سویشان فرستاده شدند تا راه راست و دین حق را آشکار کنند! (۲) به سویشان پیامبران را فرستاد تا راه راست و دین حق آشکار شوند!
- ۳) پیامبران را به سویشان فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند! (۴) پیامبران را به سویشان فرستاد و راه راست و دین حق را برایشان آشکار کردند!

۱۲- «كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، لَا بَرَكَةٌ فِيهِ!»:

- ۱) هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشود، هیچ برکتی در آن نخواهد بود!
- ۲) هر خوراکی که نام خدا بر آن یاد نشود، هیچ برکتی در آن نیست!
- ۳) نام خدا بر هر غذایی یاد نشود، آن هیچ برکتی ندارد!
- ۴) همه خوراکی‌هایی که نام خدا بر آن یاد نمی‌شود، هیچ برکتی در آن نیست!

۱۳- «كَانَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا الْإِنْسَانُ مِنْ خِلَالِ النَّفُوسِ وَالْتِمَائِلِ، تُؤَكِّدُ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ!»:

- ۱) همانا تمدن‌هایی که انسان را از طریق نگاه‌ها و تندیس‌ها شناخت، تأکید می‌کنند بر این‌که دین در درون او ذاتی است!
- ۲) گویی تمدن‌هایی که از میان کنده‌کاری و تندیس‌ها شناخته شدند، بر این تأکید می‌کنند که دین در وجود انسان ذاتی است!
- ۳) در تمدن‌هایی که انسان آن‌ها را از طریق نگاه‌ها و تندیس‌ها شناخت، قطعاً ذاتی بودن دین در وجودش را تأکید می‌کنند!
- ۴) گویی تمدن‌هایی که انسان آن‌ها را از میان نگاه‌ها و تندیس‌ها شناخت، تأکید می‌کنند بر این‌که دین در وجود او ذاتی است!

۱۴- «لَيْتَ النَّاسَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْمَدَنِ فِي الْعَطَلَاتِ لِتَقَلَّ الْغَازَاتُ الْمَلُوءَةُ فِي الْجَوِّ!»:

- ۱) ای کاش مردم در تعطیلات از شهرها خارج شوند تا گازهای آلوده‌کننده در هوا کم شود!
- ۲) شاید مردم در تعطیلات از شهرها خارج شوند و گازهای آلوده‌کننده در هوا کم شود!
- ۳) ای کاش مردم در تعطیلات بیرون شهرها بروند تا گازهای آلوده‌کننده در هوا کم شود!
- ۴) ای کاش در تعطیلات مردم را از شهر بیرون می‌کردند تا گازهای آلوده‌کننده در هوا کم می‌شد!

۱۵- «إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ بِالْإِسْتِئْذَانِ بِمَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ!»:

- ۱) بی‌گمان دستور قرآن به مسلمانان این است که معبودات مشرکان را دشنام ندهند!
- ۲) همانا قرآن به مسلمانان دستور داد که ایشان نباید معبودات مشرکان را دشنام دهند!
- ۳) قطعاً قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که معبودات مشرکان را دشنام ندهند!
- ۴) قرآن قطعاً به مسلمانانی دستور می‌دهد که معبودات مشرکان را دشنام می‌دهند!

۱۶- «كَانَتْ تَعَدُّ الْأَكْبَهَةَ وَتَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَتَجَنُّبِ سَرَّهَا!»:

- ۱) پیشکش قربانی‌ها برای کسب رضایت تعدادی از خدایان و دوری کردن از بدی آن‌ها بود!
- ۲) دو خدایی و پیشکش قربانی برای به‌دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری از بدی آن‌هاست!
- ۳) برای به‌دست آوردن خشنودی چند خدا و دوری از بدی‌شان چندین قربانی تقدیم کرده بودند!
- ۴) چند خدایی و پیشکش قربانی‌ها برایشان برای کسب خشنودی آن‌ها و دوری کردن از بدی‌شان بود!

۱۷- «لَا مَرَضٌ فِي الْمُسْتَشْفَى يَنَامُ فِي طُولِ اللَّيْلِ عِنْدَ الْعَمَلِ!»:

- ۱) در طول شب هیچ پرستاری در بیمارستان در زمان کارش نمی‌خوابد!
- ۲) هیچ پرستاری در بیمارستان هنگام کار در طول شب نمی‌خوابد!
- ۳) پرستاری در بیمارستان نداریم که در طول شب هنگام کار بخوابد!
- ۴) در بیمارستان هیچ پرستاری نیست که هنگام کارش در طول شب بخوابد!

۱۸- «لَا إِنْسَانَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا يَحْزَنُ مِنْ صِرَاعِ مَوَاطِنِيهِ!»:

- ۱) هیچ انسانی در دنیا نیست که از درگیری هم‌میهنش غمگین نشود!
- ۲) انسانی به دنیا نیامده است که از کشمکش هم‌میهنش غمگین نشود!
- ۳) هیچ انسانی در دنیا نیست که از کشمکش هم‌میهنش غمگین نشود!
- ۴) انسان در دنیا باید از کشمکش هم‌میهنش غمگین شود!

۱۹- «لَا شَعْبٌ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ!»:

- ۱) هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر آن‌که دینی و روشی برای بندگانش داشت!
- ۲) هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر آن‌که دینی و روشی برای پرستش داشته باشد!
- ۳) از ملت‌های زمین ملتی نیست که دینی و روشی برای عبادت نداشته باشد!
- ۴) نه، ملتی از ملت‌های زمین نیست که دینی و روشی برای پرستش خدا نداشته باشد!



**۵۵- عَيْنِ الْخَطَا:**

- ۱) لا سوءَ أسوأَ مِنَ الْكَذِبِ! هیچ بدی ای بدتر از دروغ گفتن نیست!
- ۲) ﴿لَا تُحْمَلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: آن چه توانش را هیچ ندارید تحمل نمی‌کنیم!
- ۳) لا بَلِيَّةَ أَصْعَبَ مِنَ الْجَهْلِ! هیچ بلایی سخت‌تر از نادانی نیست!
- ۴) لا تَسْبُوا النَّاسَ لِأَنَّكُمْ تَكْتَسِبُونَ الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ! به مردم دشنام ندهید، زیرا شما میان آن‌ها دشمنی کسب می‌کنید!

**۵۶- عَيْنِ الصَّحِيح:**

- ۱) لا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنَ أَهْلِ الْحَقِّ كَوْنُوا نَفَادَ الْكَلَامِ! هیچ باطلی را از اهل حق فرا نگیرید، سخن‌سنج باشید!
- ۲) لَيْتَ الطَّائِرَ يَرَى الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسَ! ای کاش پرنده، جانور درنده را می‌دید!
- ۳) لا فَرِيْسَةَ تَتَّبِعُ صَيَادَهَا! هیچ شکاری، شکارچی خود را تعقیب نمی‌کند!
- ۴) لَعَلَّهُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْذَعَ عَدُوَّهُ لِئِنَّقَدَّ فِرَاحَهُ مِنَ الْخَطَرِ! شاید او بتواند دشمن خود را فریب دهد تا جوجه‌هایش را از خطر نجات دهد!

**۵۷- «هنگامی که مردم به خانه‌هایشان بازگشتند بت‌های خویش را شکسته یافتند!»**

- ۱) عِنْدَمَا رَجَعَ النَّاسُ إِلَى مَنَازِلِهِمْ وَجَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً
- ۲) النَّاسُ حَيْثَمَا رَجَعُوا إِلَى بِيوتِهِمْ وَجَدُوا الْأَصْنَامَ مُكْسَرَةً!
- ۳) لَمَّا رَجَعَ الشُّعُوبُ إِلَى أَصْنَامِهِمْ وَجَدُوهَا فِي بِيوتِهِمْ مُكْسَرَةً!
- ۴) إِذَا وَجَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً رَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ!

**۵۸- «ای کاش معلم ما درباره رفتنمان به اردوی علمی با مدیر سخن می‌گفت!»**

- ۱) لَيْتَ مُعَلِّمَتَنَا تُحَدِّثُ الْمَدِيرَةَ عَنْ ذَهَابِنَا إِلَى السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ!
- ۲) لَيْتَ مُعَلِّمَنَا حَدَّثَ الْمَدِيرَ عَنْ ذَهَابِنَا إِلَى السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ!
- ۳) لَعَلَّ مُعَلِّمَتَنَا حَدَّثَتِ الْمَدِيرَةَ عَنْ ذَهَابِنَا إِلَى السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ!
- ۴) لَيْتَ مُعَلِّمَنَا يُحَدِّثُ الْمَدِيرَ عَنْ ذَهَابِنَا إِلَى السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ!

**۵۹- «هیچ مؤمنی آخرتش را به بهایی ناچیز نمی‌فروشد!»**

- ۱) لا الْمُؤْمِنَ يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِثَمَنِ بَخْسٍ!
- ۲) لا مُؤْمِنَةٌ تَبِيعُ آخِرَتَهَا بِالْثَمَنِ الْبَخْسِ!
- ۳) لا مُؤْمِنًا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِثَمَنِ بَخْسٍ!
- ۴) لا مُؤْمِنَةٌ تَبِيعُ آخِرَتَهَا بِثَمَنِ بَخْسٍ!

**۶۰- «امید است دولت‌های جهان برای ایجاد صلح با یکدیگر همکاری کنند!»**

- ۱) لَعَلَّ دَوْلَ الْعَالَمِ تَتَّاعَوْنَ مَع بَعْضِهَا لِإِيجَادِ السَّلْمِ!
- ۲) لَعَلَّ دَوْلَ الْعَالَمِ تَتَّاعَوْنَا مَع بَعْضِهِمْ لِإِيجَادِ السَّلْمِ!
- ۳) عَسَى الدَّوْلُ الْعَالَمُ أَنْ تَتَّاعَوْنَ مَع بَعْضِهَا لِإِيجَادِ السَّلْمِ!
- ۴) لَيْتَ الدَّوْلُ الْعَالَمُ يَتَّاعَوْنَ مَع بَعْضِهِنَّ لِإِيجَادِ السَّلْمِ!

**۶۱- عَيْنِ الْخَطَا حَسَبِ الْوَاقِع:**

- ۱) كَأَنَّ بَعْضَ الْعِبَادَاتِ وَالشَّعَائِرِ عِنْدَ الْأُمَّمِ خُرَافِيَّةٌ!
- ۲) لا مَطَرٌ يَصْعَدُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ!
- ۳) إِنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ!
- ۴) إِنَّ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ تُفَرِّقُ مُسْلِمِي الْعَالَمِ!

**۶۲- عَيْنِ الْخَطَا حَسَبِ الْوَاقِع:**

- ۱) الْكَيْفَ هِيَ الْمِنْطَقَةُ الَّتِي تَرْتَبُطُ الرَّجُلُ مَعِ الْجَدْعِ!
- ۲) النَّهَامُسُ تَسَاؤُ الطَّرْفَيْنِ وَ هَمْسُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي أُذُنِ الْآخَرِ!
- ۳) الصَّنَمُ يَمْتَلَأُ بِصَنْعَةِ الْإِنْسَانِ لِيَعْبُدَهُ وَيَتَّخِذَهُ إِلَهًا!
- ۴) الْفَأْسُ أَدَاةٌ تُسْتَعْمَدُ لِتَقْطِيعِ الْأَشْجَارِ أَوْ أَغْصَانِهَا!

**۶۳- عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ: «لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ»**

- |  |  |
|--|--|
| ۱) هَشْدَارِ كِه دَر سَايَهٗ دِيوَارِ قِنَاعَتِ            | خوابی است که در پر و بال هما نیست      |
| ۲) اَز قِنَاعَتِ خَاكِ بَايَدِ كَرْدِ دَر اَنْبَانِ حَرَصِ | آبرو تاکی شود صرف خمیر نان حرص         |
| ۳) وَی كِه دَر شَدَّتْ فُقْرَى وَ پَرِيشَانِي حَالِ        | صبر کن کاین دو سه روزی به سر آید محدود |
| ۴) جَمْعِي كِه بَا قِنَاعَتِ جَاوِيْدِ خُو كَنْدِنْدِ      | خود را چو گوهر انجمن آبرو کنند         |

**۶۴- عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:**

- ۱) لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ! بت شکستن سهل باشد، نیک سهل / سهل دیدن نفس را، جهل است جهل
- ۲) لا حَيْزِرٌ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ! سعدیا گرچه سخندان و مصالح‌گویی / به عمل کار برآید به سخندانی نیست
- ۳) لا شَيْءٌ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ! تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد
- ۴) ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾: خود را به خدا بسپار، همراه سراسر اوست / دیگر تو چه می‌خواهی، بهر طلبت از دوست

درک مطلب

■ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ

«قطع الأشجار عملية لإستعمال خشبها للأبنية أو الصناعات. مشكلة قطع الأشجار من أكبر المشاكل التي تُهدد المناخ في عالمنا، يؤدي قطع الغابات إلى نقص مساحتها، وتقليل الأكسجين. الأشجار تنظف الهواء و التربة و المياه و تمد الكرة الأرضية بكميات كبيرة من الأكسجين و تخلصها من غاز الكربون و تجعلها مكاناً يُمكن العيش فيه. إن العيش بالقرب من الأشجار يجعلنا أكثر صحة و سعادة. ينتج عن عملية قطع الأشجار في البيئة عدم مقدرة بعض الحيوانات و الطيور على اكتشاف مأوى و غذاء. إن علينا حماية الأشجار المُهددة بالانقراض و إرشاد الناس لمخاطر قطعها، فلا نقطع الأشجار إلا لضرورة و لنقل من العملية العمرانية و في الأخير أن نغرس شجرة بدلاً لكل شجرة مقطوعة.»

٦٥- عَيِّن الخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١) يَسْتَفِيدُ الإنسان مِنَ الأخشاب فِي البِنَاءِ!
- ٢) عَمَلِيَّةُ قِطْعِ الأشجار تَخْلُصُ الأَرْضَ مِنْ غازِ الكربون!
- ٣) بَعْضُ الحَيَوَانَاتِ تَكْتَسِبُ غِذَاءَهَا مِنَ الأشجار!
- ٤) نَقْصُ مَسَاحَةِ الغابَةِ مِنْ نَتَائِجِ قِطْعِ الأشجار!

٦٦- عَلَيَّ حَسَبَ النَّصِّ كَيْفَ نَسْتَطِيعُ أَنْ نَحْفَظَ الغابَةَ؟ عَيِّن الخَطَأَ:

- ١) عَلَيْنَا أَنْ نُرْشِدَ النَّاسَ لِمَخَاطِرِ قِطْعِ الأشجار!
- ٢) عَلَيْنَا أَنْ نُزْرِعَ شَجَرَةً بَدَلًا لِكُلِّ شَجَرَةٍ مَقْطُوعَةٍ!
- ٣) لَا نَقْطَعُ الأشجارَ إِلَّا لِلاضْرُورَةِ!
- ٤) عَلَيْنَا أَنْ نُقَلِّلَ عَمَلِيَّةَ زَرْعِ الأشجار!

٦٧- عَيِّن الصَّحِيحَ حَسَبَ النَّصِّ:

- ١) الأشجارُ مَلْجَأٌ لِلحَيَوَانَاتِ فَقَطْ!
- ٢) تَلَوَّثَ الأشجارُ الهَوَاءَ وَ المِياه!
- ٣) تُصَحِّحُ الأشجارُ مَرَضَ مَنْ يَعْيشُونَ بِقُرْبِهَا!
- ٤) الأشجارُ قِسمٌ مِنَ المَشاكلِ!

■ عَيِّن الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِلكَلِمَاتِ المَعْيَنَةِ فِي هَذِهِ العِبَارَةِ: «مُشْكِلةُ قِطْعِ الأشجارِ مِنْ أَكْبَرِ المَشاكلِ الَّتِي تُهدِّدُ المُنَاحَ فِي عَالِمِنَا»

٦٨- تُهدِّدُ:

- ١) فَعْلٌ ماضٍ - لِلغائِبَةِ - مَزِيدٌ ثَلَاثِي (مصدره: تَفَعَّلَ) / فَعْلٌ وَ مَعَ فاعله جَمَلَةٌ فَعْلِيَّةٌ
- ٢) فَعْلٌ مَجْهُوولٌ - مصدره عَلَيَّ وَزَن «تَفَعَّلَ» / فَعْلٌ وَ فاعله مَحذوفٌ
- ٣) فَعْلٌ مضارعٌ - ماضِيه: هَدَدَ - مَعْلومٌ / فَعْلٌ وَ مفعولُه «المُنَاحُ»
- ٤) مَزِيدٌ ثَلَاثِي - حروفه الأَصْلِيَّة: هـ د د - لِلغائِبَةِ / فَعْلٌ وَ فاعله «المُنَاحُ» وَ الجَمَلَةُ فَعْلِيَّةٌ

٦٩- المَشاكلُ:

- ١) اسْمٌ مَكَانٍ - مَذَكَّرٌ - جَمْعٌ مَكْسَرٌ / مضافٌ إليه وَ مَجْرورٌ
- ٢) جَمْعٌ تَكْسِيرٌ (مفردُه: المُشْكِلُ) - اسْمٌ فاعِلٌ / مضافٌ إليه لِلْمُضَافِ «أَكْبَرُ»
- ٣) جَمْعٌ مَكْسَرٌ - مَعْرَفٌ بِأَلٍ - مَذَكَّرٌ / صِفَةٌ وَ الموصوفُ: أَكْبَرُ
- ٤) مفردُه «المُشْكِلُ» - اسْمٌ فاعِلٌ (فَعْلُهُ: شَكَّلَ) / مضافٌ إليه وَ المضافُ «أَكْبَرُ»

٧٠- عَيِّن الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِلكَلِمَاتِ المَعْيَنَةِ فِي النَّصِّ:

- ١) تَنْظَفُ: الفَعْلُ المَعْلومُ - المَزِيدُ الثَّلَاثِي بِزِيادَةِ حَرْفَيْنِ / الخَبَرُ
- ٢) يُمَكِّنُ: الفَعْلُ المَضارعُ - مصدره «إمكان» / الجَمَلَةُ بَعْدَ التَّكْرَةِ وَ مَعادِلُ المَضارعِ الإِلْتِزامِي
- ٣) مَأوَى: إسمُ المَكَانِ - إسمُ التَّكْرَةِ / الصِّفَةُ
- ٤) المُهدِّدَةُ: المفْرَدُ المَوْثُوتُ - إسمُ الفاعِلِ (مَنْ مَزِيدٌ ثَلَاثِي) / الصِّفَةُ

(تجربى ١٩٣٣ ب٩٣ تغيير)

■ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ

«رؤي أن ملكاً كان حريصاً على مظاهر الأبهة و العظمة. فحين كان يخرج إلى الشعب كانت الطبول تضرب و الناس يجتمعون واقفين على جانبي الطريق للتحية و السلام بكَراهية و إجباراً في يوم فهم الملك أن جماعة منهم لم يأتوا مع بقية الناس بذريعة عدم سماع صوت الطبل! عد الملك ذلك مصيبة عظيمة! فجمع المستشارين و طلب منهم أن يصنعوا طبلًا يسمع صوته جميع الناس! و كان بين المستشارين شيخ مُعَمَّرٌ فقال: أنا مُستَعِدٌّ لِلقيامِ بِهَذَا الأمرِ وَلَكِنِّي بِحَاجَةٍ إِلَى أموالٍ كَثيرةٍ ... فقبل الملك و أعطاه ما طلب! أخذ الشيخ هذه الأموال و قام بتوزيعها بين الناس و كان يقول: أيها الناس! لا تشكروني، بل أشكروا الملك الذي أخذت منه هذه الأموال! بعد أيام رأى الملك أن الناس مجتمعون حول قصره قبل خروجه مشتاقين لزيارته. فتعجب من معجزة ذلك الطبل! فحين استفسر الأمر تبين الموضوع له!»

١. آب و هوا
٢. خطرها
٣. به بهانه



٧١- ماذا تبين للملك في الأخير؟: تبين له أن .....

- (٢) إجتماع الناس عند الخروج يؤذيه فيجب تركه!  
(٤) الذين لم يجتمعوا حوله كانوا مصابين بثقل السمع!

- (١) الإحسان معجزة تُسمع كل الأسماع و القلوب!  
(٣) الشيخ قد أدى عمله حول تهئية الطبل صادقاً

٧٢- عيّن الخطأ عن شخصية الملك و الشيخ المعمر:

- (٢) كان الشيخ يريد الأموال لنفسه حين طلبها من الملك!  
(٤) كانت للملك جماعة يسمع آراءهم عند حدوث بعض المشكلات!

- (١) ما كان الملك يعلم حقيقة بأنّ الناس لا يحبونه!  
(٣) كان الشيخ صادقاً في كلامه عند توزيع الأموال بين الناس!

٧٣- عيّن الخطأ:

- (٢) اجتمع الناس حول الملك في الأخير عن رغبة و شوق!  
(٤) لو كان الشيخ يطلب القيام بالإحسان صراحة، لما كان الملك يقبل ذلك!

- (١) كان الشيخ يقصد أن ينبّه الملك بعمله!  
(٣) كان الشيخ يريد بطلبه نجاة جماعة لم يأتوا مع الآخرين للتحيّة!

٧٤- المفهوم المستنتج من النص هو أن .....

- (٢) المُلْك يبقى مع الكفر و لا يبقى مع الظلم!  
(٤) الظلم مرتعه و خيم و الإحسان فضله رفيع!

- (١) العدالة تضمن بقاءنا لا العدّة و القوّة!  
(٣) الإنسان عبد الإحسان و الكرم!

■ عيّن الصحيح في التحليل الصرفي و المحلّ الإعرابي للكلمات المعيّنة في النص

٧٥- «يجتمعون»:

- (١) فعل مضارع - مزيدٌ ثلاثي بزيادة حَرْفٍ - معلوم / خبر  
(٢) للغائبين - مصدره «إجماع» / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية  
(٣) مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي (مصدره على وزن افتعال) / فعل و الجملة فعلية  
(٤) مصدره على وزن «تَفَعَّلَ» - مُضَارِعٍ - معلوم / الجملة فعلية و خبر

٧٦- «تبيّن»:

- (١) مصدره على وزن «تَفَعَّلَ» - فعلٌ معلومٌ / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية  
(٢) للغائبين - فعلٌ ماضٍ على وزن «تَفَعَّلَ» / فعل و فاعله «الموضوع»، و الجملة فعلية  
(٣) مضارع - حروفه الأصلية: ب ي ن / فاعله «الموضوع»  
(٤) فعلٌ ماضٍ - معلوم - مصدره: تَبَيَّنَ / خبر من نوع الجملة

٧٧- «مُعَمَّر»:

- (١) اسمٌ - نكرة - مُذَكَّرٌ مضاف إليه و المضاف: شَيْخٌ  
(٣) اسمٌ مفعولٍ - فعله: عَمَّرَ - معرفة / في العلامة تابع لـ «شيخ»  
(٢) اسمٌ مفعولٍ (مصدره: تَعَمِير) - مفرد / صفة للموصوف «شَيْخٌ»  
(٤) اسمٌ فاعلٍ (من مزيدٍ ثلاثي) - نكرة / خبر

(رياضي ٩١ با تغيير)

■ ■ ■ اقرأ النصّ التالي بدقة ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ

«إنّ فلاحاً كان يعمل في حقله و لم تكن له أموال و لا أولاد تساعده، فكبّر و صَعَف و كان من آماله أن يرى حقله مليئاً بالأشجار و النباتات مثل البساتين المجاورة له! و قد أصبح الحقل فارغاً لم يكن فيه نبات أو شجرة! ... كلّ يوم كان يمشي في بستانه و كانت الحسرة رفيق ساعاته و أيامه! يرى هنا و هناك فأرات في إياب و ذهاب ... كان يتصوّر أنّها من أسباب بروز هذه المشكلة ... الموت لها ...! لماذا خلقها الله العليم؟! ألهذه الفأرات اللعينة خير؟! ... مرّت الأيام و مضت السنوات ... جاء الشتاء ... قَرَبَ الربيع ... يا للعجب! كأنّ الحقل على وشك تغيير عظيم! ما هذه النباتات؟! من كان ذلك الموجود الطيب الذي غرس بذور هذه الأشجار؟! ... مرّت الأيام و امتلأ الحقل بأوراق و بالأعصان ... و أخيراً كشف السرّ ... كانت تلك اللعينات تأتي بالحبوب و تدفنها تحت التراب لكنّها تنساها، فبعد مرور زمن ... حدث ما حدث!»

٧٨- من أسباب جفاف البستان و زواله أنّ .....

- (٢) الفأرات تمنع إيصال الموادّ اللازمة إلى الأشجار!  
(٤) هناك لم يكن أحد يقدر أن يواظبه و يحفظه!

- (١) البذور كانت فوق التراب و الفأرات تأكلها!  
(٣) أولاد صاحب البستان ما كانوا يحافظون عليه!

٧٩- صف لنا صاحب البستان: كان .....

- (٢) غنيّاً سيّئ الخلق يشتم كلّ شيء يراه!  
(٤) محبّ الطبيعة و كلّ ما فيها، لكنّه لم يكن يقدر أن يراها!

- (١) وحيداً في عمله لكنّه لم يكن مأيوساً!  
(٣) متشائماً مبغوضاً يكره الحياة و ما فيها من المخلوقات!

٨٠- من كان يأتي بالبذور؟

- (٢) الفأرات (٣) الرياح (٤)

- (١) الفلاح (٢) اللعينات المخفية

۸۱- ما هو مفهوم النَّصِّ؟

- (۱) من صبر في حياته نال ما طلبه!  
 (۲) الحسرة سلاح من لا حيلة له!  
 (۳) لا تعجل، فإن العجلة من الشيطان!  
 (۴) عسى أن تكرهوا شيئاً و هو خير لكم!

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ فِي النَّصِّ

۸۲- «أصبح»:

- (۱) فعل مضارع - للمتكلم وحده / من الأفعال الناقصة  
 (۲) للغائب - مصدره على وزن إفعال / فعل من الأفعال الناقصة  
 (۳) فعل ماضٍ - له حرفان زائدان / فعل ناقص و الجملة فعلية  
 (۴) من باب إفعال - مجرد ثلاثي / فعل ناقص و «أصبح الحقل فارغاً: الجملة اسمية»

۸۳- «يمشي»:

- (۱) مزيد ثلاثي - لازم (ناگذر) - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية  
 (۲) مضارع - للغائب / فعل و «كان يمشي» معادل للماضي البعيد  
 (۳) فعل مضارع - مجهول - للغائب / فعل و «كان يمشي» معادل للماضي الاستمراري  
 (۴) مجرد ثلاثي - فعل معلوم / فعل [و فاعله ضمير «هو» المستتر] و الجملة فعلية

۸۴- «البساتين»:

- (۱) جمع تكسير (مفرد: بستان، مذکر) - معرف بأل / مضاف إليه و مجرور  
 (۲) اسم - جمع تكسير (مفرد: بستان، مذکر) / فاعل  
 (۳) اسم - جمع سالم للمذكر - معرف بأل / مضاف إليه و مجرور  
 (۴) جمع سالم للمذكر - معرف بأل / صفة

(باز ۹۸)

■ ■ ■ ■ ■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصِّ

«إنَّ المِيزَانَ مِنْذُ القَدِيمِ حَتَّى الأَنِّ وَسِيلةُ لوزن الأشياء و هو رمز للعدل و المساواة، و تُسَمَّى القِيَامَةُ أَيضاً يَوْمَ الحِسابِ وَ المِيزانِ. وَ قد أصبح شعراً ترفعه المحاكم في العالم بالرغم من كونه آلة بسيطة! اخترع الإنسان الميزان لتيسير شؤونه الاقتصادية. في البداية كانت الموازين (ج ميزان) حجرية بسيطة ثم توسعت استخدامها. فقد قام قدماء المصريين بصناعة موازين من الخشب تعلّق في أطرافها كفتان. و للموازين أنواع متعدّدة، بعضها مدرّجة يستخدمها البقالون. و في حساب الأوزان الثقيلة نستخدم القبان (قبان). و أخيراً يُستخدم النوع الإلكتروني منه و هو على كفة واحدة فقط!

۸۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) ترى الميزان الإلكتروني كثيراً في الأسواق!  
 (۲) شعار المحاكم صورة الميزان و هو ليس بسيطاً!  
 (۳) كان المصريون أول من قام بصناعة الموازين و لها كفتان!  
 (۴) نستخدم القبان للأوزان الثقيلة و له كفتان، و للموازين المدرّجة كفة واحدة!

۸۶- عَيْنُ الخَطَأِ: الدَّقَّةُ فِي الحِسابِ ...

- (۱) سبب لصحة بيعنا و شرائنا في المجتمع!  
 (۲) كانت منذ قديم الزمان حتى الآن!  
 (۳) حصولنا عليها بواسطة الوسائل الخاصة!  
 (۴) لا تحصل إلا بالموازين المدرّجة الدقيقة!

۸۷- عَيْنُ الخَطَأِ: إن لم يكن الميزان ...

- (۱) يظهر الظلم و العدوان كثيراً!  
 (۲) تزول سهولة البيع و الشراء بين الناس!  
 (۳) تحصل للمحاكم مشاكل عديدة!  
 (۴) لا نحصل على وزن الأشياء إلا بصعوبة!

۸۸- عَيْنُ الأَقْرَبِ لمفهوم النَّصِّ:

- (۱) ﴿إنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾  
 (۲) ﴿أوفوا الكيل و الميزان بالقسط﴾  
 (۳) ﴿عدلوا، هو أقرب للتقوى﴾  
 (۴) ﴿فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره﴾

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ

۸۹- «توسّعت»:

- (۱) فعل ماضٍ - للغائبة - حروفه الأصلية «و س ع» و مصدره «توسّع» / مفعوله ضمير «ها»  
 (۲) للغائبة - مزيد ثلاثي (مصدره: توسّع على وزن «تفعل») / فعل و فاعله «استخدامات» و الجملة فعلية  
 (۳) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي (مصدره: توسيع على وزن تفعيل) / فاعله «استخدامات» و مفعوله ضمير «ها»  
 (۴) للمخاطب - حروفه الأصلية «و س ع» و وزنه «تفعل» / فعل و فاعله «استخدامات» و الجملة فعلية



۹۰- «يستخدم»:

- ۱) للغائب - مزيد ثلاثي (من وزن «استفعل») / فاعله «البقالون» و مفعوله ضمير «ها» المتصل
- ۲) مضارع - للغائب - حروفه الأصلية «س خ م» و وزنه «استفعل» / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- ۳) للغائب - مزيد ثلاثي (ماضيه: استخدم، مصدره: استخدم، على وزن «افتعال») / فعل و فاعله «البقالون»
- ۴) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «افتعل» و مصدره «استخدام») / فعل و فاعله «البقالون» و الجملة فعلية

۹۱- «البقالون»:

- ۱) جمع سالم للمذكر - اسم مبالغة (للدلالة على صاحب الحرفة) - معرّف بأل / فاعل لفعل «يستخدم»
- ۲) اسم - جمع مكسر أو تكسير - اسم مبالغة (على وزن «فعال») - معرفة / فاعل لفعل «يستخدم»
- ۳) جمع سالم للمذكر - على وزن فَعَال - (حروفه الأصلية: ق ل و) / فاعل، و حرف النون مفتوحة دائماً
- ۴) اسم - جمع سالم للمذكر - اسم مبالغة (للدلالة على الآلة أو الوسيلة) - معرّف بأل / فاعل لفعل «يستخدم»

قواعد

■ عَيْنِ الْمُنَاسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ

۹۲- عَيْنِ عِبَارَةِ مَا جَاءَ فِيهَا الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ:

- ۱) وَلَكِنَّ عِبَادَتَهُ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ حُرَافِيَّةً!
- ۲) إِنَّمَا يَقْصُدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَافِنَا!
- ۳) تَوَكَّدَ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ وَ تَدَلُّ عَلَى أَنَّهُ فَطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ!
- ۴) فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ!

۹۳- عَيْنِ عِبَارَةِ جَاءَ فِيهَا الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ أَكْثَرُ:

- ۱) تَعَدَّدُ الْأَلِهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقُرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا!
- ۲) إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ!
- ۳) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ!
- ۴) عَرَفْنَا الْحَضَارَاتِ مِنْ خِلَالِ النَّقُوشِ وَ الرَّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ!

۹۴- عَيْنِ عِبَارَةٍ مَا جَاءَتْ فِيهَا الْحُرُوفُ الْمَشْتَبِهَةُ بِالْفِعْلِ:

- ۱) وَلَكِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرُكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ!
- ۲) وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَاعِلُ!
- ۳) إِنَّمَا يَقْصُدُ إِبْرَاهِيمَ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَافِنَا!
- ۴) لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِي!

۹۵- عَيْنِ مَا لَيْسَتْ فِيهَا الْحُرُوفُ الْمَشْتَبِهَةُ بِالْفِعْلِ:

- ۱) لَيْتَ النَّاسَ عَلِمُوا هَذَا الْمَطْلَبَ!
- ۲) كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ!
- ۳) إِنَّ التَّدْيِينَ فَطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ!
- ۴) لَعَلَّ هَذَا الطَّلَبَ مِنَ النَّاجِحِينَ!

۹۶- عَيْنِ مَا يَدُلُّ عَلَى التَّمْتِي:

- ۱) حَضَرَ السِّيَاحَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ!
- ۲) ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾
- ۳) ﴿قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي﴾
- ۴) ﴿ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

۹۷- عَيْنِ الْخَطَا فِي اسْتِخْدَامِ الْحُرُوفِ الْمَشْتَبِهَةِ بِالْفِعْلِ:

- ۱) لَيْتَنِي كُنْتُ أَدْرُسُ مِثْلَ زَمِيلِي الذَّكِيِّ!
- ۲) مَا حَاوَلْتُ تِلْكَ الطَّالِبَةَ كَثِيرًا وَلَكِنَّهَا نَجَحَتْ فِي الْإِمْتِحَانِ!
- ۳) كَأَنَّ قَطْرَاتِ الْمَطَرِ دُرٌّ فِي السَّمَاءِ!
- ۴) لَعَلَّنِي أَغْنَى حَتَّى أَسَاعِدَ الْفُقَرَاءَ وَ الْمَسَاكِينَ!

۹۸- عَيْنِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- ۱) كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ!
- ۲) لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى!
- ۳) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾
- ۴) لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا!

۹۹- عَيْنِ «لَا» النَّاهِيَةِ:

- ۱) لَا يَبْلُغُ الْخَائِفُ آمَالَهُ!
- ۲) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ!
- ۳) لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ!
- ۴) لَا، هَذِهِ حَقِيبَةُ السَّفَرِ!

۱۰۰- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- ۱) أَنْظِرْ لَتِلْكَ الشَّجَرَةِ بِلَاثِمِرًا!
- ۲) لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ!
- ۳) لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ!
- ۴) لَا كُنْزَ أُغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ!

١١٥- عَيَّنْ فِعْلاً لَا يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِي:

- (١) لَيْتَ الطَّالِبِ رَجَّحَ الدَّرْسَ عَلَى اللَّعِبِ!  
(٢) لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدَنِ بِلَادِي!  
(٣) لَيْتَ فَرِيقَنَا فَازَ فِي الْمُبَارَاةِ!  
(٤) لَعَلَّ الْمَعْلَمَةَ إِطْمَأَنَّتْ لِتَعَلَّمَ تَلْمِيزَاتِهَا!

١١٦- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ لَا يُوَجَدُ مَعْنَى الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي؟

- (١) لَعَلَّنِي أَسَافِرُ مَعَكُمْ إِلَى مَحَلِّ الْمُسَابَقَاتِ!  
(٢) لَعَلَّ الْهَدَفَ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ كَسْبُ رِضَاهَا!  
(٣) لَعَلَّ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي دُرُوسِهِ هَذِهِ السَّنَةِ!  
(٤) أُمِّي سَافَرَتْ إِلَى النَّجَفِ لَعَلَّهَا تَرْجِعُ بِسُرْعَةٍ!

١١٧- عَيَّنْ عِبَارَةً جَاءَ فِيهَا الْفِعْلُ بَعْدَ «لَعَلَّ» بِمَعْنَى مُخْتَلِفٍ:

- (١) «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»  
(٢) لَعَلَّهُمْ أَخَذُوا الْقَرَابِينَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الشُّعُوبِ الْجَائِعَةِ!  
(٣) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... إِفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»  
(٤) لَعَلَّ الْأَبْرِيَاءَ يَسْلَمُونَ مِنَ الظُّلْمِ الَّذِي قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَا!

١١٨- مَيِّزِ الْعِبَارَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ فِيهَا الْفِعْلُ مِنْ حَيْثُ الْمَعْنَى:

- (١) لَعَلَّ النَّاسَ أَنَّهُوَ الْعِبَادَاتِ وَالشُّعَائِرِ الْخُرَافِيَّةِ!  
(٢) إِسْأَلُوا كَبِيرَهُمْ لَعَلَّهُ قَدْ فَعَلَ كُلَّ هَذَا!  
(٣) لَا نَعْلَمُ! لَعَلَّ النَّاسَ اخْتَلَفُوا فِي أَمْرِهِمْ!  
(٤) لَعَلَّ الْأُسْتَاذَ يَفْهَمُ مِنْكَ مَا تُرِيدُ قَوْلَهُ!

١١٩- عَيَّنْ الْعِبَارَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ فِيهَا الْفِعْلُ الْمَاضِي:

- (١) «وَقَالَ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا»  
(٢) لَيْتَكَ يَا أَخِي إِبْتَعَدْتَ عَنِ الْكَسَلِ!  
(٣) لَيْتَنَا كُنَّا تَارِكِينَ الْبَاطِلَ وَذَاهِبِينَ إِلَى الْحَقِّ!  
(٤) لَيْتَ أُمِّي كَانَتْ ذَاهِبَةً إِلَى الْحَجِّ هَذَا الْعَامِ!

١٢٠- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ حَرْفُ «لَا» لِلنَّفْيِ؟

- (١) «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»  
(٢) لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ!  
(٣) «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»  
(٤) الْجَاهِلُ يَحْكُمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ!

١٢١- عَيَّنْ عِبَارَةً مَا جَاءَ فِيهَا «لَا» النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ:

- (١) لَا يَأْسُ مَعَ الرَّجَاءِ أَيُّهَا الْمُؤْمِنَاتِ!  
(٢) لَا تَبَادُلَ قَدْ حَصَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْعَدُوِّ!  
(٣) لَا ذَهَبَ عِنْدَنَا لِلْبَيْعِ يَا أُخْتِي!  
(٤) لَا أَجِدُ صَدِيقًا يُسَاعِدُنِي فِي حَلِّ مَشَاكِلِي!

١٢٢- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ حَرْفُ «لَا» النَّافِيَةَ؟

- (١) لَا تَكْسِبْ ثَوَابًا إِذَا سَاعَدْتَ النَّاسَ لِغَيْرِ رِضَا اللَّهِ!  
(٢) «لَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»  
(٣) «... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»  
(٤) «لَا تَكْبُرْ فِي الْمُؤْمِنِ» (النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ)

١٢٣- عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنْ نَوْعِ حَرْفِ «لَا»:

- (١) «... وَ مَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَ لَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ ...»: (نَافِيَةَ)  
(٢) «لَا تَكْبُرْ فِي الْمُؤْمِنِ» (النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ)  
(٣) «و لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (النَّافِيَةَ)  
(٤) مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ؟ (النَّافِيَةَ)

١٢٤- عَيَّنِ الصَّحِيحَ عَنْ مَعَادِلِ الْأَفْعَالِ الْمَعْيِنَةِ:

- (١) «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (الْمَاضِي الْإِلْتِمَازِي)  
(٢) لِيَعْلَمِ الْإِنْسَانُ أَنَّ جَمِيعَ الْكَائِنَاتِ مُسَخَّرَةٌ لَهُ! (الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي)  
(٣) أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ! (الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِي)  
(٤) هَذِهِ الْخُرَافَاتُ كَانَتْ قَدْ إِزْدَادَتْ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ! (الْمَاضِي التَّقْلِي)

١٢٥- عَيَّنِ الصَّحِيحَ عَنْ مَعَادِلِ الْأَفْعَالِ الْمَعْيِنَةِ:

- (١) حَازِبْنَا الْأَعْدَاءَ حَتَّى نَخْرِجَهُمْ مِنْ ثَغُورِ بِلَادِنَا! (الْمَضَارِعِ الْإِخْبَارِي)  
(٢) تَوَجَّدَ رُسُومٌ فِي الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ تُوَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ! (الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِي)  
(٣) إِنْ صَبِرْتُمْ تَعْلَبُوا عَلَيَّ مَشَاكِلِكُمْ! (الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي)  
(٤) لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَتَحَدَّثُونَ أَمَامَ الْكُفْرَا! (الْمَاضِي الْإِلْتِمَازِي)

١٢٦- عَيَّنِ الْخَطَأَ عَنْ مَعَادِلِ الْأَفْعَالِ الْمَعْيِنَةِ:

- (١) «أَيُّحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي)  
(٢) إِذَا دُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ فَإِنَّمَا هُوَ شِفَاءٌ! (الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي الْمَجْهُولِ)  
(٣) لَيْتَ الْمَدِيرَةَ مَا سَمِعَتْ أَصْوَاتَ التَّلْمِيزَاتِ! (الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي الْمَنْفِي)  
(٤) لَعَلَّ الْإِنْسَانَ يُسَبِّحُ خَالِفَهُ مَعَ جَمِيعِ الْكَائِنَاتِ! (الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي)

١٢٧- عَيَّنْ عِبَارَةً جَاءَ فِيهَا الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ «لَا» النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ مَعًا:

- (١) لَا يُوَجَدُ رَجُلٌ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا مَنْ بِيَدِهِ فَأْسُ!  
(٢) لَا شَيْءَ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!  
(٣) لَيْتَ الْمَدِيرَةَ مَا سَمِعَتْ أَصْوَاتَ التَّلْمِيزَاتِ! (الْمَضَارِعِ الْإِلْتِمَازِي الْمَنْفِي)  
(٤) لَا أَحَدٌ يُمْكِنُ أَنْ يَدْخُلَ فِي الْمُتَحَفِّ لِأَنَّهُ غَيْرُ مَسْمُوحٍ!



تست‌های کنکور سراسری

(تبریزی ۹۸)

۱۴۰- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْمُتَضَادِّ:

- ۱) كُلَّ يَوْمٍ يَحْتَوِي عَلَى لَيْلٍ وَ نَهَارًا
- ۲) الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كَرْتَانِ مِنَ الْكِرَاتِ السَّمَاوِيَةِ!
- ۳) الْقِيَامُ وَ الْقَعُودُ مِنَ أَعْمَالِ الصَّلَاةِ!
- ۴) إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

(ریاضی ۹۸)

۱۴۱- ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...﴾:

- ۱) وَلِيُّ شَمَا فَقَطُ اللَّهُ اسْتِ وَ رَسُولُ او وَ كَسَانِي كِه اِيْمَانِ آوْرْدِه‌انْد ...
- ۲) هَمَانَا وَلِي شَمَا خُدَاوَنْد اسْتِ وَ پِيَامْبَرْشِ وَ هَر كَسِ اِيْمَانِ بِيَاوْرْدِ ...
- ۳) سَرُوْر شَمَا بَدُوْنِ شَكِّ اللَّهُ اسْتِ وَ پِيَامْبِرِ وَ اَن كِه اِيْمَانِ آوْرْدِه اسْتِ ...
- ۴) بَه‌دَرْسْتِي كِه خُدَاوَنْد سَرُوْر شَمَا اسْتِ وَ رَسُولِ او وَ كَسِي كِه اِيْمَانِ آوْرْدِه اسْتِ ...

(انسانی ۹۸)

۱۴۲- ﴿انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَ لَا خَلَّةٌ وَ لَا شَفَاعَةٌ﴾:

- ۱) از آن چه به شما روزی می‌دهیم انفاق کنید قبل از آن که روزی بیاید که در آن هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی!
- ۲) انفاق کنید از آن چه روزی دادیم شما را، پیش از آن که روزی فرا رسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی!
- ۳) بخشش کنید از چیزهایی که روزیتان دادیم پیش از این که آن روز فرا رسد که هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست!
- ۴) از آن چه روزی شما قرار می‌دهیم بخشش کنید قبل از این که آن روز بیاید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست!

(انسانی ۹۸)

۱۴۳- «ما يَزِيدُ صَبْرَنَا فِي أُمُورٍ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهَا، هُوَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ!»:

- ۱) آن چه صبر ما را در اموری که هیچ توانی برای آن‌ها نداریم، می‌افزاید، همان ایمان به الله است!
- ۲) صبر ما در کارهایی که طاقتش در ما نیست، زیاد نمی‌شود، بلکه آن در ایمان به الله است!
- ۳) صبر در کارهایی که توان آن‌ها در ما نیست قدرت ما را زیاد نمی‌کند، بلکه آن ایمان به خداست!
- ۴) چیزی که صبر ما را می‌افزاید، اموری است که هیچ طاقت آن را نداریم که همان ایمان به خداست!

(هنر ۹۸)

۱۴۴- «من إبتعد عن الأميال النفسانيّة شابّاً و أقبل على العلوم النّافعة، فلعلّ قلبه يُملاً إيماناً!»:

- ۱) هر کس از تمایلات نفسانی جوانی دور شود و به علوم سودمند روی کند، شاید قلبش از ایمان پُر بشود!
- ۲) اگر کسی در جوانی، از خواهش‌های نفسانی دوری کند و به علوم سودمندی روی بیاورد، شاید قلب خود را از ایمان پُر بکند!
- ۳) کسی که در جوانی، از خواهش‌های نفسانی دور شده به علوم سودمند روی بیاورد، امید آن است که قلب او از ایمان پُر شود!
- ۴) هر کسی که از امیال نفسانی جوانی دوری کرده به علوم سودمند روی کند، امید است که قلب خویش را از ایمان پُر کند!

(هنر ۹۸)

۱۴۵- «لا شيء أحسن من النقوش و الرّسوم و التّمائيل ليُشجّعنا إلى كشف الحضارات القديمة»:

- ۱) هیچ چیزی بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها نیست برای این که ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند!
- ۲) چیزی بهتر از نقوش و رسم‌ها و تمثال‌ها وجود ندارد که ما را به یافتن تمدن‌های قدیم ترغیب کرده باشد!
- ۳) هیچ چیزی نیست که بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند!
- ۴) چیزی نیست که ما را به کشف تمدن‌های قدیم بهتر از نقوش و نقاشی‌ها و تمثال‌ها ترغیب کرده باشد!

(فارغ از کشور ۹۸)

۱۴۶- ﴿إِنَّ عَقَائِدَنَا هِيَ الَّتِي تَدْعُونَا إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ أَوْ أَسْوئِهَا وَ تَبْعَدُنَا مِنَ الْخَيْرِ أَوْ الشَّرِّ!»:

- ۱) همانا این عقاید ماست که ما را به بهترین اعمال یا بدترین آن دعوت می‌کند و ما را از خوبی و بدی می‌راند!
- ۲) عقاید ماست که ما را دعوت به اعمال نیک یا زشت‌ترین آن‌ها می‌کند و ما از خوب بودن و بد بودن دوری می‌کنیم!
- ۳) همانا عقاید ماست که برای ما خوب‌ترین کارها و زشت‌ترین آن‌ها را می‌خواند و ما از خوبی و بدی دوری می‌کنیم!
- ۴) بی‌تردید عقاید ماست که ما را به نیکوترین کارها یا بدترین آن‌ها فرا می‌خواند و ما را از خوبی یا بدی دور می‌کند!

(هنر ۹۷)

۱۴۷- «يوم ينظر المرء ما قَدَمَت يدها، و يقول الكافر ياليتني كنت تراباً»:

- ۱) (در آن) روز انسان به آن چه دستانش پیش فرستاده، می‌نگرد و کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم!
- ۲) آن روز انسان می‌بیند چیزی را که با دستانش پیش فرستاده است و کافر می‌گوید: ای کاش خاک باشم!
- ۳) روزی که شخص نتیجه آن چه را که به وسیله دستانش تقدیم کرده می‌بیند و کافر می‌گوید: کاش خاک بودم!
- ۴) (آن) روز است که هر شخصی به نتیجه چیزی که دستانش تقدیم کرده می‌نگرد و کافر می‌گوید: ای کاش خاک می‌شدم!

(فارغ از کشور ۹۷)

۱۴۸- «لا لون في عمق أكثر من مائتي متر، لأنّ كلّ الألوان تختفي هنالك!»:

- ۱) هیچ رنگی در عمق حدود دویست متر نیست، چه همه رنگ‌ها همان جا مخفی می‌شوند!
- ۲) هیچ رنگی در عمقی بیش از دویست متر وجود ندارد زیرا آن جا همه رنگ‌ها پنهان می‌شوند!
- ۳) در عمق بیش از دویست متر هیچ رنگی نیست، برای این که آن مکان همه رنگ‌ها را پنهان می‌کند!
- ۴) در عمقی بیش‌تر از دویست متر رنگی نیست از آن جا که همه رنگ‌هایی که وجود دارند مخفی شده‌اند!

۱۴۹- «مفتاح الهدوء هو أن نعلم أنه لا أثر لرأى الآخرين في حياتنا»:

(ریاضی ۹۵)

- ۱) کلید آرام بودن این است که نظر دیگران در زندگی ما هیچ تأثیری ندارد!
- ۲) کلید آرامش، یعنی بدانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!
- ۳) کلید آرامش آن است که بدانیم نظر دیگران هیچ تأثیری در زندگی ما ندارد!
- ۴) کلید آرام بودن آن است که می‌دانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!

۱۵۰- «لا حياة تبقى للحقيقة بعد كل إغراق في المدح و في الذم»:

(انسانی ۹۴)

- ۱) بعد از هر زیاده‌روی در مدح و ذم، هیچ حیاتی برای حقیقت باقی نمی‌ماند!
- ۲) هیچ حیاتی وجود ندارد که بعد از مدح و ذم مبالغه‌آمیز، حقیقت را نشان دهد!
- ۳) هیچ حیاتی، بعد از اغراق در هر گونه مدح و ذم، برای حقیقت باقی نخواهد ماند!
- ۴) بعد از مبالغه‌ها چه در مدح و چه در ذم، هیچ حیاتی نمی‌ماند که حقیقت در آن باشد!

۱۵۱- «لا دين للمتلون و إن ألقاك في الخطأ و تظاهر بكمال ديانتها»:

(هنر ۹۲)

- ۱) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی‌نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفکند!
- ۲) هیچ دینی ندارد آن کس که دورنگ است و به کمال دینداری‌اش تظاهر کرده و باعث اشتباه تو شود!
- ۳) انسان دورو هیچ دینی ندارد، اگر چه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دینت تظاهر کند!
- ۴) آن که دورو است دین ندارد، هر چند ظاهری با دین و بی‌نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!

۱۵۲- «الظبي كأنه إنسان شاعر يدرك جمال الليل و هو يرقب القمر بإعجاب كثير»:

(ریاضی ۹۲)

- ۱) این آهو چون انسانی است شاعر که قدر شب زیبا را دانسته و نظاره‌گر زیبایی ماه است!
- ۲) چه بسا آهو انسانی است شاعر که قدر زیبایی شب را می‌داند و ماه را با تعجب بسیار نظاره می‌کند!
- ۳) آهو گویی انسانی شاعر است که زیبایی شب را درک می‌کند و با شگفتی بسیار ماه را نظاره می‌کند!
- ۴) گویی که این آهو هم چون انسان شاعری است که شب زیبا را درک می‌نماید و به طوری عجیب نظاره‌گر ماه است!

۱۵۳- «الضرورة الحسنة لا دوام لها، فكن ذا سيرة حسنة ليذكرك الناس بالخير في المستقبل»:

(انسانی ۹۱)

- ۱) روی زیبا بادوام نیست، پس سیرت نیک داشته باش تا بعدها مردم از تو به خوبی یاد کنند!
- ۲) صورت زیبا هیچ دوامی ندارد، پس نیکوسیرت باش تا در آینده مردم تو را به نیکی یاد کنند!
- ۳) روی خوب دوام اندکی دارد، پس سیرت را نیک بدار که مردم در آینده از تو به خوبی یاد خواهند کرد!
- ۴) برای چهره زیبا ثباتی نیست، پس خوش اخلاق باش که مردم پس از این، تو را به نیکی یاد خواهند کرد!

۱۵۴- «لا شاب هناك لم يدافع عن وطنه في الحرب المفروضة»:

(انسانی ۸۹)

- ۱) جوانی نیست که در جنگ تجاوزگرانه از وطن دفاع نکند!
- ۲) هر جوانی هنگام تحمیل جنگ از وطن خویش دفاع می‌کند!
- ۳) هیچ جوانی نیست که در جنگ تحمیلی از وطن خود دفاع نکرده باشد!
- ۴) هیچ جوانی نبود که هنگام تحمیل جنگ تجاوزگرانه از وطن دفاع نکرده باشد!

۱۵۵- «قد تعلمت أن لا أعجل في معاتبة أحد بذنب ارتكبه، فلعل الله أراد أن يغفر ذنبه»:

(انسانی ۹۰)

- ۱) یاد گرفته‌ام که در سرزنش کردن کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!
- ۲) مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به سبب گناهان آن‌ها تعجیل کنم، بسا خدا بخواهد از گناه آن‌ها گذشت کند!
- ۳) فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص به خاطر گناه کردنشان نباید شتاب داشته باشم، بسا خدا بخواهد آن‌ها را بیامرزد!
- ۴) به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده خداوند باشد!

۱۵۶- «إن عباد الله يتمتعون من نعمه و ليسوا محرومين عن الطيبات»:

(هنر ۸۶)

- ۱) مسلماً عبادت‌کنندگان خدا از نعم الهی سود می‌برند و از پاکی‌ها خود را بی‌بهره نمی‌کنند!
- ۲) قطعاً عابدان خدا از نعم او نفع برده و از رزق و روزی پاک خود را محروم نمی‌سازند!
- ۳) بندگان خدا از نعمت‌های او بهره‌مند می‌شوند و از روزی‌های پاک محروم نیستند!
- ۴) بندگان خدا از موهبت او بهره‌مندند و از روزی‌های حلال محروم نمی‌شوند!

۱۵۷- «يا انسان؛ إنني قد طردت الشيطان لأنه لم يسجد لك، و أنت الآن تصاحبه و تتركني»:

(فایز از کشور ۹۵)

- ۱) همانا من شیطان را دعوت کردم که تو را سجده کند، و تو اکنون با او دوست شده‌ای و مرا ترک می‌کنی!
- ۲) به راستی که من شیطان را طرد کردم زیرا به تو سجده نکرد، و تو اکنون با او دوستی می‌کنی و مرا رها می‌کنی!
- ۳) این درست است که تو با شیطان مصاحبت می‌کنی و مرا رها می‌کنی، و حال آن‌که من به شیطان امر کردم به تو سجده کند!
- ۴) به راستی که تو اینک مصاحب شیطان شده‌ای و مرا ترک کرده‌ای، در حالی‌که من او را رها کردم زیرا از او خواستم به تو سجده کند و نکرد!



۱۵۸- «استفد من النعم التي وهبها الله لك و لا تضيعها و لا تغتر بها لآنها ليست دائمية»: (فارغ از کشور ۸۷)

- ۱) همیشه از نعمت‌ها بهره ببر زیرا آن‌ها را خدا به تو عطا کرده ولی به خاطر آن‌ها مغرور مشو زیرا دائمی نیستند!
- ۲) از نعمت‌هایی که خدا به تو عطا کرده استفاده کن و آن‌ها را ضایع مکن و به آن‌ها مغرور مشو زیرا دائمی نیستند!
- ۳) از نعمت‌های خدا که به تو عطا شده استفاده کن ولی نه آن‌ها را ضایع کن و نه به داشتن آن‌ها مغرور شو که فناپذیر هستند!
- ۴) از همه نعمت‌هایی که خدا به تو داده بهره‌مند شو، در این صورت آن‌ها را تباه نمی‌کنی و به آن‌ها مغرور نمی‌شوی زیرا همگی رفتنی هستند!

۱۵۹- «لا تتركوا شيئاً من أمر دينكم لإصلاح دنياكم، فإن الله يفتح عليكم ما هو أصر منه»: (زبان ۸۸)

- ۱) نباید دین را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک کرد، زیرا باب آن‌چه که از آن ضرربخش‌تر است، بر شما باز می‌شود!
- ۲) آن‌چه از امور دینی است، برای اصلاح دنیایان نباید رها شود، زیرا خداوند چیزی را بر شما می‌گشاید که از آن زیانبارتر است!
- ۳) چیزی از امر دینتان را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک نکنید که خداوند آن‌چه زیانبارتر از آن است برای شما می‌گشاید!
- ۴) امری از امور دینتان را به خاطر امور دنیا رها نکنید، زیرا چیزهایی به شما روی می‌آورد که زبان آن‌ها بیش‌تر است!

۱۶۰- «انزعجت من بعض أعماله التي كانت تسبب أذى الناس، ولكنّه لم يهتم بانزعاجي!»: (فارغ از کشور ۹۱)

- ۱) از بعضی کارهایش که سبب آزار مردم می‌شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!
- ۲) بعضی اعمال که مردم‌آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی‌ام اهمیتی نداد!
- ۳) از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی‌داد!
- ۴) برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت‌کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!

۱۶۱- «قد يلقي الساب نفسه بسبب أخطائه في بئر، الخروج منها صعب كثيرا»: (ریاضی ۹۶)

- ۱) آن جوان به خاطر خطاهایش گاهی خویشتن را در چاهی می‌بیند که خروج از آن سخت است!
- ۲) آن جوان که برای اشتباهاتش خود را در چاه می‌اندازد، بیرون آمدنش از آن خیلی دشوار است!
- ۳) گاهی جوان به خاطر اشتباهاتش خود را در چاهی می‌اندازد که خارج شدن از آن بسیار دشوار است!
- ۴) گاهی یک جوان به علت اشتباهاتش خود را در چاهی می‌بیند که بیرون آمدن از آن خیلی سخت می‌باشد!

۱۶۲- «يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون»: (تبری ۹۴)

- ۱) الله مثل‌هایی برای مردم می‌زند، شاید پند بگیرند!
- ۲) الله برای مردم مثل‌ها را می‌زند، شاید یادآور شوند!
- ۳) خداوند مثلی برای مردم زده است، باشد که متنبه شوند!
- ۴) خداوند برای مردم مثلی زده است، باشد که عبرت بگیرند!

۱۶۳- عین الصحیح: (ریاضی ۹۸)

- ۱) لیتنی رأیت جمیع الكتب: کاش همه کتاب‌ها را ببینم!
- ۲) لعل الخیر قد نزل علينا: شاید خیر بر ما نازل شود!
- ۳) لیت الإمتحان قد انتهى: کاش امتحان تمام شود!
- ۴) لعل الصبر ینقذنا: شاید پایداری نجاتمان دهد!

۱۶۴- عین الصحیح: (ریاضی ۹۸)

- ۱) إتما من لم ید و لم یولد، هو الله: کسی که نزاده و زاده نشده، فقط الله است!
- ۲) جاءت الأم بالحبوب لفرأها الصغیرة: مادر با دانه‌ها نزد جوجه‌های کوچک آمد!
- ۳) ینفقون من أحسن ما یحبون أكثر من قبل: با کمال میل از نیکوترین چیزی که دوست می‌دارند، انفاق می‌کنند!
- ۴) عندما یلقى الخطیب محاضرة ینصت الحضاة له: وقتی سخنران سخنرانی می‌کرد حاضران با سکوت به او گوش می‌کردند!

۱۶۵- عین الخطأ: (تبری ۹۸)

- ۱) لا یقدر المتکبر الجبار أن یزرع بذر الحکمة في قلبه: یک خودبزرگ‌بین ستمگر نمی‌تواند بذر حکمتی در قلب بکارد،
- ۲) لأنّ هذا القلب یبئی من الصّخور، ولكن هذه الحکمة: زیرا این قلب از صخره‌ها ساخته شده، لیکن این حکمت،
- ۳) تثبت في قلب المتواضع و تعمر فيه مدّة طويلة: در قلب شخص فروتن می‌روید و در آن مدتی طولانی ماندگار می‌شود،
- ۴) کأنّ التواضع قرین العقل و التکبر دلیل الجهل: گویی که تواضع هم‌نشین عقل است و تکبر نشانه جهل!

۱۶۶- عین الصحیح: (انسانی ۹۸)

- ۱) لما ما وجدت البنات أمهن حیة نحن علیها: دختران هنگامی که مادر خود را زنده نیافتند، بر او شیون کردند!
- ۲) لا أحد یأتیک في حاجة فترده خائبا: کسی نیست که با خواسته‌هایش نزد تو بیاید و تو او را ناامید برگردانی!
- ۳) من ذاق حبک دنا إلیک و هو یخاف منک: کسی که عشق تو را چشید در حالی‌که از تو می‌ترسد به تو نزدیک است!
- ۴) الکذاب یتظاهر بالصدق و إن یظهر الکذب في وجهه: دروغگو تظاهر به راست‌گویی می‌کند اگرچه دروغ از چهره‌اش نمایان بوده است!

(ریاضی ۹۸)

۲) لعل الإنسان يعرف الحضارات من خلال الكتابات و التماثيل!  
۴) لیتنا نقرأ آراء عدة كتّاب حول هذا الموضوع لناخذ نتيجة صحيحة!

(تجربی ۹۸)

۲) نعلم أنّ للعالم أصدقاء كثيرين،

(ریاضی ۹۸)

۲) لا العزة إلا لربنا الرحيم الذي له كل شيء!  
۴) لا شعب من شعوب العالم إلا و له طريقة للعبادة!

(زبان ۹۸)

۲) كأنّ الخير ينزل عليك قريباً!  
۴) يدعي أنه كريم لكنّ الواقع لا يؤيد ذلك!

(زبان ۹۸)

۲) الكأس رُجاجة يُشربُ فيها الماء أو الشاي أو القهوة!  
۴) قَرَّرَ أربعة طلاب أن يغيبوا عن الإمتحان فأتصلوا بالأستاذ!

(فارغ از کشور ۹۵ با تغییر)

۲) لا نتوقع الخير إلا من كدّ يميننا و فضل ربنا! (نافية)  
۴) لا تتوقع الخير ممن حفر نفسه و أهانها! (نافية)

(ریاضی ۹۴ با تغییر)

۲) فلا تجعل باطن حياتك معادلاً لظاهر حياتهم،  
۴) لا يعلمها أحد إلا الله تعالى!

(زبان ۹۴)

۱۸۴- «ليت ..... ، ..... من جميع النعم التي يودّعها الله في الطبيعة» عيّن الخطأ للفرغين:  
۱) ك - تنتفعين ۲) هـ - تنتفعن ۳) المسلمات - ينتفعن ۴) المسلمین - ينتفعون

(انسانی ۹۱ با تغییر)

۲) سلّمت على صديقي لا على جميع الحاضرين!  
۴) إنّ أخاه لا يدرس في البيت، بل في المدرسة!

(تجربی ۹۰ با تغییر)

۲) لا شكّ في أنّ هواء البحر هذه الأيام هائج بشدة!  
۴) ذهبنا إلى شارع لا حانوت فيه فلذلك لم نشتر شيئاً!

(تجربی ۸۹)

۲) لا أعلم أنّ أخي هل نجح في الامتحان أم لا!  
۴) لا عجب أنك نجحت، لأنك درست جيداً!

(ریاضی ۸۶)

۲) قلت لزميلتي: لا شكّ في انتصار الحقّ!  
۴) أيها الغني! لا الإنفاق إلا في سبيل الله!

(تجربی ۸۶)

۲) الحاضرين - مستعدّون - فلنتملّ  
۴) الصادقين - ذي حقّ - فلنتملّ

(ریاضی ۸۵)

۲) لا تطلبوا إلا أعمال الخير!  
۴) لم تقول ما لا تعلم، أيها الإنسان!

۱۷۷- عيّن مضارعاً ليس معادلاً للالتزامي الفارسي:

۱) أمرنا بأن لا نغضب، ولكننا نغضب، و هذا الأمر شائع بيننا!  
۳) كأنّ هذا الجبل أعلى من بقية الجبال، ليتني أصدع إلى رأسه!

۱۷۸- عيّن الكلمة التي تكمل جملة ما قبلها:

۱) إنّ العلم أحسنّ من المال،  
۳) ولكنّ لصاحب المال أعداء كثيرين، ۴) هذا هو الفرق بين العلم و المال!

۱۷۹- عيّن الصحيح عن «لا» النافية للجنس:

۱) لا حياة و عفاف و أدب إلا لعقل ثابت!  
۳) لا أتذكر زمان ذهبنا إلى تلك الجولة العلميّة!

۱۸۰- عيّن ما لا نرجو وقوعه:

۱) لعلّ الفوز حليفك في الدنيا!  
۳) ليت النجاح يتحقّق في حياتك!

۱۸۱- عيّن الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۱) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهِدُوا أَصْنَافَهُمْ مَكْسُورَةً  
۳) لِيَزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ

۱۸۲- عيّن الخطأ عن نوعيّة «لا»:

۱) هذه سنة قد جعلها الله بأنّه لا تقدّم مع الجهل! (لا نافية للجنس)  
۳) لا تطلب الأمة المتكاسلة التقدّم و التّجاح! (ناهية)

۱۸۳- عيّن حرف «لا» النافية:

۱) يا عاقل! لا تفكر في شؤون الآخرين،  
۳) فلا أحد إلا و عنده مشاكل في باطن حياته،

۱۸۴- «ليت ..... ، ..... من جميع النعم التي يودّعها الله في الطبيعة» عيّن الخطأ للفرغين:

۱) ك - تنتفعين ۲) هـ - تنتفعن ۳) المسلمات - ينتفعن ۴) المسلمین - ينتفعون

۱۸۵- عيّن «لا» النافية للجنس:

۱) الذي لا يعمل بجدّ لن يرى التّجاح في حياته!  
۳) يجب أن نعترف بأنّه لا نفع في مجالسة الجهال!

۱۸۶- عيّن «لا» النافية:

۱) أعلم أنّك لا تحصل على التّجاح دون اجتهاد!  
۳) لا تعشّن في حياتك كالذي بأمر الناس بالخل!

۱۸۷- عيّن «لا» النافية للجنس:

۱) ألا كلّ شيء غير الله باطل!  
۳) هو و أسرته فقراء لا أغنياء!

۱۸۸- عيّن الصّحيح في «لا» النافية للجنس:

۱) هذا شاعرٌ جليل لا تاجر نشيط!  
۳) لا يذهب المؤمن إلى مجالس السوء!

۱۸۹- «فاعلموا أنّ ..... كانوا ..... في عملهم، .....!» عيّن المناسب للفرغات:

۱) المعلمات - مجدّات - فلنتملّ  
۳) الناجحين - مجدّين - فلنتملّ

۱۹۰- عيّن «لا» النافية للجنس:

۱) اليوم لا طالبة في المدرسة!  
۳) أ لا تعلم أنّ الله على كلّ شيء محيط!



## پاسخ پرسش های چهارگزینه ای درس اول

۱۳ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «كأن: گویی» - «عَرَفَهَا الإنسان (فعل + مفعول + فاعل): انسان آن‌ها را شناخت» - «تَوَكَّدَ عَلَى أَنْ: تأکید می‌کنند بر این‌که» توجه: ضمیر «ها» و فعل «تَوَكَّدَ» با توجه به مرجع خود «الحضارات»، مفرد مؤنث آمده‌اند ولی جمع ترجمه می‌شوند.

۱۴ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لَيْتَ: ای کاش» - «يُخْرَجُونَ: خارج شوند» - لَيْتَ (لِ + فعل مضارع: در وسط عبارت): تا کم شود» (مضارع التزامی)

۱۵ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «يَأْمُرُ: دستور می‌دهد» - «الْمُسْلِمِينَ (اسم معرفه): مسلمانان» - «أَلَّا يَسْتَبُوا (أَنْ + لا + فعل مضارع): که ... دشنام ندهند (مضارع التزامی منفی)

۱۶ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «كَانَتْ: بود» - «تَعَدَّدَ الْأَلْهِيَّةُ: چند خدایی» - «تَقْدِيمُ الْأَقْرَابِينَ: تقدیم قربانی‌ها، پیشکش قربانی‌ها»

۱۷ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لا ممرَضٌ ... يَنَامُ (لای نفی جنس همراه اسم نکره + فعل مضارع): هیچ پرستاری ... نمی‌خوابد» - «عِنْدَ الْعَمَلِ: هنگام کار»

۱۸ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لا إنسانٌ ... (لای نفی جنس همراه اسم نکره): هیچ انسانی ... نیست» - «أَلَّا يَحْزَنَ (أَنْ + لای نفی + فعل مضارع): که غمگین نشود» - «مُواطِنِيهِ (مواطنین + ضمیر متصل «ه») = مَواطِنِيهِ: هم‌میهنانش» توجه: جمع مذکر سالم یا اسم مثنی اگر مضاف شوند، نون (ن) از آخرشان حذف می‌شود.

۱۹ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لا شَعْبٌ ... (لای نفی جنس همراه اسم نکره): هیچ ملت‌ی ... نیست» - «إِلَّا: مگر، جز» - «كَانَ لَهُ (كانَ + لِ + ضمیر متصل «ه»): داشت» و براساس ساختار به صورت ماضی التزامی «داشته باشد» ترجمه می‌شود. - «الْعِبَادَةُ: پرستش، عبادت»

۲۰ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «إِنَّ: همانا، به درستی که، قطعاً، بی‌گمان» - «قد شَجَّعَ (فعل ماضی نقلی معلوم): تشویق کرده است» - «الْمُسْلِمِينَ (مفعول): مسلمانان را»

۲۱ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لَيْتَ: ای کاش» - «عَلَّقَ (لَيْتَ) + فعل ماضی = ماضی استمراری: آویزان می‌کرد» - «شَجَّرَهُ (اسم نکره): درختی» - «رَجَعَ (لَيْتَ) + فعل ماضی = ماضی استمراری: بازمی‌گشت»

۲۲ = ۱ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لا طالبٌ في صَفَّنَا (لای نفی جنس همراه اسم و خبر و ضمیر متصل): هیچ دانش‌آموزی در کلاسماں نیست» - «إِلَّا: مگر، جز» - «الوَاجِبَاتِ (جمع مؤنث سالم): تکلیف‌ها»

۲۳ = ۴ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «لا ثقافة (لای نفی جنس همراه اسم): هیچ فرهنگی ... نیست» - «من ثقافات العالم: از فرهنگ‌های جهان» - «كالثقافة الإسلامية: مانند فرهنگ‌های اسلامی» - «الحضارات العالمية: تمدن‌های جهانی»

۱ = ۲ ترجمه عبارات با کلمات مناسب آن‌ها: الف) از مدیر پرسیده شد: آیا در مدرسه دانش‌آموزی است؟ پاسخ داد: هیچ (لا) دانش‌آموزی اینجا نیست! ب) پرنده، جلوی حیوان درنده وانمود کرد به این‌که (أَنَّ) بالش شکسته است! ج) کشاورز آرزو کرد: کاش (لَيْتَ) باران، بسیار ببارد! د: به‌راستی (إِنَّ) از سنت است که مرد همراه میهمانش تا در خانه بیرون بیاید!

۲ = ۳ ترجمه درست: «شُعَائِر: مراسم»

۳ = ۲ ترجمه کلمات به ترتیب: «رُسُوم: نقاشی‌ها - الْقَرَابِينَ: قربانی‌ها - الْحَنِيف: راستین - التَّبَع: رستاخیز»

۴ = ۲ شکل درست ترجمه «مُسْتَعْفِر»، «آمزش خواهنده» می‌باشد.

۵ = ۴ شکل درست ترجمه فعل‌ها در سایر گزینه‌ها: (۱) فَهَمْتُ: فهماندم؛ فعل ماضی از باب تَفَعُّل است. (۲) لَمْ نَفْهَمْ: نفهمیدیم، نفهمیده‌ایم؛ «لَمْ» + مضارع = ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی (۳) لَا يُجَلِسونَ: نمی‌نشانند؛ مضارع منفی از باب اِفْعَال است.

۶ = ۲ «الْقِنَاعَةُ: قناعت؛ مایه تباهی نیست.» سایر گزینه‌ها مایه تباهی هستند: (۱) الشَّرْكُ: چندگانه‌پرستی (۳) الغَضَبُ: خشم (۴) العُجْبُ: خودپسندی

۷ = ۳ «الصَّرَاعُ: کشمکش»؛ جدال دو فرد یا بیش‌تر با هم در سخن یا رفتارشان است. ترجمه سایر کلمات: (۱) الفَقْرُ: نداری، فقر (۲) التَّهَامُشُ: بیج‌پچ کردن (۴) الاستهزاء: ریشخند کردن

۸ = ۳ «بَعَثَ: فرستاد» در عبارت داده‌شده، متضاد ندارد بلکه مترادف آن «أَرْسَلَ» آمده است. در سایر گزینه‌ها متضاد کلمات وجود دارد: (۱) جَمِيعاً: همگی ≠ وَحِيداً: تنها (۲) مُشْرِكاً: دوگانه‌پرست ≠ حَنِيفاً: یکتاپرست (۴) أَطْفُوؤا: خاموش کنید ≠ حَرَّقُوا: بسوزانید

۹ = ۳ «وَرَاءَ: پشت سر ≠ أَمَامَ: روبرو»؛ در سایر گزینه‌ها کلمات متضاد نیامده است.

۱۰ = ۲ «التَّارِكُ: رهاکننده، ترک‌کننده ≠ المَائِلُ: مایل، میل‌کننده» - «الباطل: ساختگی، دروغ ≠ الحَقُّ: حقیقت»؛ در سایر گزینه‌ها کلمات متضاد نیامده است.

۱۱ = ۳ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: فعل ماضی معلوم «أَرْسَلَ: فرستاد» - فعل مضارع معلوم با حرف «لِ» همراه آن «لِيُبَيِّنُوا: تا آشکار کنند (لِ + فعل مضارع = تا + مضارع التزامی)»

۱۲ = ۲ مواردی که باید به آن‌ها توجه شود: «كُلُّ طَعَامٍ (كُلٌّ + اسم نکره): هر خوراکی، هر غذایی» - «لا بركة فيه (لای نفی جنس به همراه اسم و خبر خود): هیچ برکتی در آن نیست.»





# اول

## سوالات امتحانی درس

### مهارت واژه‌شناسی

**الف** ترجمه کلمات التي تحتها خط: (کلماتی که زیرش خط است، ترجمه کن.)

- |       |   |
|-------|---|
| ..... | ۱- رأيت النُقُوشَ في الآثار القديمة.    |
| ..... | ۲- لا موجود يترك شدي.                   |
| ..... | ۳- صراع الدول سبب إهدام الشعوب.         |
| ..... | ۴- جعل الخطاب فأسه على الأرض.           |
| ..... | ۵- و أملاً الصدر أنشراحاً.              |
| ..... | ۶- قد يكون خداع العدو لإنقاذ النفس.     |
| ..... | ۷- إن الغضب مفسدة.                      |
| ..... | ۸- أستشهد بعض الجنود في الحرب المفروضة. |
| ..... | ۹- خلق الإنسان من طينة.                 |
| ..... | ۱۰- أقيم وجهك للدين خفيفاً.             |
| ..... | ۱۱- تهامس الطالبان في الصف.             |
| ..... | ۱۲- كسر عظم يده في اللعب.               |
| ..... | ۱۳- يا مجيب الدعوات.                    |

**ب** اكتب في الفراغات الكلمات المترادفة والكلمات المتضادة: (کلمات مترادف و کلمات متضاد را در جاهای خالی بنویس.)

«اكتشف / صراع / أخذ / وجد / اء / سلم / خفيف / تدل / كسر / سوى / قذف / مرض / مشرك / ترشد / وصل / غير»

- |            |            |
|------------|------------|
| ..... = ۱۴ | ..... = ۱۸ |
| ..... = ۱۵ | ..... = ۱۹ |
| ..... = ۱۶ | ..... = ۲۰ |
| ..... = ۱۷ | ..... = ۲۱ |

**ج** عين الكلمة التي لا تناسب الكلمات الأخرى في المعنى: (کلمه‌ای که در معنی متناسب با کلمات دیگر نیست را مشخص کن.)

- |                                   |                                |                               |                              |
|-----------------------------------|--------------------------------|-------------------------------|------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۲۲- صم   | <input type="checkbox"/> تمثال | <input type="checkbox"/> كتيف | <input type="checkbox"/> فأس |
| <input type="checkbox"/> ۲۳- صراع | <input type="checkbox"/> تراب  | <input type="checkbox"/> نزاع | <input type="checkbox"/> حرب |

**د** اكتب مفرد أو جمع الكلمات: (مفرد یا جمع کلمات را بنویس.)

- |                   |                    |
|-------------------|--------------------|
| .....: ۲۴- تمثال: | .....: ۲۸- قرابين: |
| .....: ۲۵- كتيف:  | .....: ۲۹- حطوط:   |
| .....: ۲۶- عيد:   | .....: ۳۰- رسوم:   |
| .....: ۲۷- عظم:   | .....: ۳۱- شعائر:  |

### مهارت ترجمه به فارسی

**ه** ترجم العبارات التالية: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۳۲- الآثار القديمة تؤكد اهتمام الإنسان بالدين و تدل على أنه فطري في وجوده!  
 ۳۳- أرسل الله إليهم الأنبياء ليبيّنوا الصراط المستقيم و الدين الحق.  
 ۳۴- لما شاهدوا أضنامهم مكسرة، ظنوا أن إبراهيم ~~الطاهر~~ هو الفاعل، فأحصروه للمحاكمة.  
 ۳۵- حاول إبراهيم أن ينجذ قومه من عبادة الأضنام.  
 ۳۶- ازدادت هذه الحرافات في أديان الناس على مر العصور.
- ۳۷- تعدد الآلهة و تقديم القرابين لها لكسب رضاها و تجنب شرها.  
 ۳۸- لا شعب من شعوب الأرض إلا و كان له دين و طريقة للعبادة.  
 ۳۹- ﴿إن الله لذنو فضل على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون﴾  
 ۴۰- ﴿إن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كأنهم بنيان مرصوص﴾  
 ۴۱- أيها الفاجر جهلاً بالنسب / إنما الناس لأم و لأب  
 ۴۲- كل طعام لا يذكر اسم الله عليه، ... لا بركة فيه.